



AfghanLGBT

مقدمه‌ای بر گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی

با تمرکز بر جامعه افغانستان و واژه‌های فارسی دری

۷	از تنوع گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی چه می‌دانیم؟
۸	– گرایش جنسی
۹	– گرایش عاطفی
۹	– هویت جنسی
۱۰	– هویت جنسیتی
۱۴	– بیان جنسیتی
۱۴	– ویژگی‌های جنسی

۱۵	افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ چه کسانی هستند؟
۱۵	– همجنس‌گرای زن - لزبین
۱۵	– همجنس‌گرای مرد - گی
۱۶	– دوجنس‌گرا
۱۶	– ترنس‌جندر
۱۸	– کوئیر
۱۸	– میان‌جنسی
۱۹	– هیچ‌جنس‌گرا
۲۰	– همه‌جنس‌گرا
۲۰	– بعلاوه (+)

۲۱	معانی اصطلاحات چتری و اهمیت استفاده صحیح از آن‌ها
۲۱	– اقلیت‌های جنسی و جنسیتی
۲۱	– دگرباش
۲۲	– رنگین‌کمانی

۲۳	مفاهیم کلیدی در درک تنوع جنسیتی و گرایش جنسی
۲۳	– آشکارسازی
۲۴	– اشتباه خطاب کردن جنسیت
۲۴	– اصلاح درمانی
۲۴	– بیان جنسیتی ناسازگار با هنجارهای رایج جامعه
۲۶	– تجاوز اصلاحی
۲۶	– ترنس‌هراسی و منفی‌نگری به افراد ترنس
۲۷	– چند مهری

۲۷	- دگرجنسگرا
۲۸	- دگرجنسگرا هنجار
۲۸	- دوجنسگراهراسی و منفی‌نگری به دوجنسگرایی
۲۹	- غیر دگرجنسگرا هنجار
۲۹	- کینک
۲۹	- مشاهده‌پذیری جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+
۳۰	- نامیدن با نام مُرده
۳۰	- همجنسگراهراسی و منفی‌نگری به همجنسگرایی
۳۱	- هویت متقاطع
۳۳	جایگزین‌های مناسب برای واژگان قدیمی چیست؟
۳۳	- ازدواج زوج‌های همجنسگرا
۳۳	- ایزک
۳۴	- ترجیح جنسی
۳۵	- ترنسکشوال
۳۵	- تن فروشی
۳۵	- جراحی تغییر جنسیت
۳۶	- دوجنسه
۳۶	- زن‌چه یا زن‌چو
۳۶	- سبک زندگی-
۳۷	- شیمیل
۳۷	- لواطت یا لواط
۳۷	- لیدی بوی
۳۸	- مخنث یا خنثی
۳۸	- سحاق
۳۹	- مورت
۳۹	- نرماده
۳۹	- هرمافرودیت
۴۰	- همجنسباز
۴۴	سخن آخر
۴۵	تصدیق
۴۶	منابع

مقدمه

جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ متشکل از افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس، کوپیر و نیز افراد هیچ‌جنسگرا و اینترسکس و دیگر اقلیت‌های جنسی و جنسیتی است. تنوع موجود در خانواده بزرگ ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ و نیز حضور پررنگ آنها در جوامعی با هنجارهای مسلط مبتنی بر دوگانه‌های جنسیتی که تحت تاثیر فرهنگ مردسالار شکل گرفته‌اند سبب شده است تا خواسته‌ها، دغدغه‌ها و مشکلات آنها نیز همیشه محل بحث و بررسی باشد. این حضور و بروز جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را می‌توان در متون تاریخی و آثار بسیاری از هنرمندان، نویسندگان، پژوهشگران، تاریخ‌دانان، جهانگردان و غیره مشاهده کرد و متوجه شد که برخلاف ادعای آن دسته که تعلق به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را نه یک پدیده با تاریخ حضور انسان بر زمین بلکه یک پدیده نوظهور، یک سبک زندگی تازه، و یا متأثر از پیشرفت تکنولوژی می‌دانند، تنوع جنسی و جنسیتی همیشه و در همه جوامع وجود داشته است. رابطه با جنسیت مشابه یا با بیشتر از یک جنسیت یا نداشتن یا کم بودن میل و یا فعالیت جنسی، همچون بیان و هویت‌های جنسیتی متنوع از دیرباز و از ابتدای بشریت وجود داشته است. مطلقاً ذاتی یا مطلقاً اکتسابی بودن گرایش جنسی و هویت جنسیتی هنوز از نظر علمی ثابت نشده ولی باید یادآوری کنیم که آثار تنوع گرایش‌ها و هویت‌ها در تمام تمدن‌های دنیا از جمله افغانستان کشف شده است. هرچه پذیرش جامعه برای تنوع بیشتر باشد، امکان خودشناسی و بروز خود واقعی در هر برهه‌ای از زندگی برای همه فراهم می‌شود. افراد متعلق به خانواده بزرگ ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در میان ما بوده‌اند، هستند و خواهند بود.

در گذشته و در بسیاری از جوامع افراد بر این اساس که به چه جنسیتی تمایل جنسی و یا عاطفی دارند یا ندارند دسته‌بندی نمی‌شدند یا هویت‌یابی نمی‌کردند. بر مبنای شواهد و مستندات تاریخی موجود، رابطه با جنسیت مشابه در بسیاری از جوامع به صورت آشکار و نهان وجود داشته است و علنی کردن یا نکردن آن، درست مثل امروزه، وابسته به میزان پذیرش جامعه، تابوها و هنجارهای اجتماعی بوده است. به عبارت دیگر در هر جامعه‌ای که تنوع جنسی و جنسیتی را در خود پذیرفته، افرادی که با جنسیت مشابه رابطه جنسی و یا عاطفی داشته‌اند یا بیان و هویت جنسیتی متفاوت با اکثریت جامعه داشته‌اند، توانسته‌اند با آسودگی و فراغ بال در جامعه حضور داشته باشند و همچون دیگر افراد جامعه به زندگی خود ادامه دهند. این

آزادی سبب شده است حضور آنها در منابع و آثار تاریخی آن جامعه نیز بیشتر و پررنگ‌تر شود. به همین خاطر است که می‌توان در کتب و متون تاریخی بسیاری از جوامع و ملت‌ها دید که از عشق دو نفر با جنسیت مشابه به یکدیگر گفته شده یا در وصف آن شعرها سروده شده است، اما در متون ملل دیگر یا نمی‌توان اثری از این عشق یافت، یا مورد نکوهش قرار گرفته‌اند و یا اگر هم اشاراتی بوده در گذر زمان و بنا به فراخور ایام و تغییر هنجارهای جامعه به تدریج از صحنه تاریخ حذف شده‌اند. عوامل بسیاری را می‌توان در چرایی گذار یک جامعه از پذیرش تا نکوهش جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ آورد، برای مثال ظهور یک فرقه مذهبی و یا اجرای فرامین یک دین در جامعه را می‌توان یکی از عمده‌ترین دلایلی دانست که می‌توانسته دیدگاه جامعه را نسبت به تنوع گرایش و هویت و بیان جنسیتی تغییر دهد و آن را به امری نکوهیده تبدیل کند.

وقتی صحبت از جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به میان می‌آید، چه در کتاب‌ها و منابع تاریخی باشد و چه در متون معاصر، چگونگی اشاره به اعضای این جامعه و استفاده از واژگانی که مورد تایید اعضای این جامعه باشد نقش پررنگی ایفا می‌کند. استفاده از واژگان صحیح از این نظر حائز اهمیت است که می‌تواند در کاهش تبعیض‌ها و انگ‌انگاری‌ها، ارتقاء سلامت روانی، حفظ عزت و منزلت انسانی افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+، و نیز افزایش آگاهی و آموزش جامعه موثر باشد. از سوی دیگر، و در شرایطی که واژگان مورد استفاده بار معنایی منفی داشته و تحقیر، خشونت، بیمارانگاری و سایر اشکال تبعیض و ستم را در خود به همراه داشته باشد، استفاده از این کلمات می‌تواند تبعیض را تشدید و یا نهادینه کرده، به نابرابری‌ها دامن بزند، سبب ایجاد حس انزوا در میان افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ شود، فرهنگ پذیرش و مدارا را کمرنگ کند، همبستگی میان اعضای یک جامعه را از بین ببرد و هر محیط اجتماعی نظیر محیط کار و تحصیل را به فضایی ناسالم و غیرحمایتی تبدیل کند.

علاوه بر این، استفاده از واژگانی با بار معنایی منفی می‌تواند تاثیرات منفی عمیق فردی نیز برجای بگذارد، از جمله تاثیراتی غیر قابل بازگشت بر روح و روان افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس و کوئیر. برای نمونه، استفاده از واژگانی که افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را «اشتباه طبیعت» یا «غیرطبیعی» می‌داند سبب می‌شود در بعضی مناطق، که از سطح سواد و دانش کافی در زمینه برابری و تنوع جنسی و جنسیتی برخوردار نیستند، دست به اقداماتی برای اصلاح افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ بزنند تا گرایش جنسی و هویت جنسیتی آنها را تغییر دهند و همسو با گرایش جنسی و هویت جنسیتی مطابق با هنجارهای رایج در جامعه کنند؛ یکی از این اقدامات، روش موسوم به «اصلاح درمانی» است. علیرغم اینکه بسیاری از مراجع علمی معتبر دنیا در حوزه روان‌شناسی و روان پزشکی از جمله انجمن روان‌شناسی آمریکا «اصلاح درمانی» را فاقد اثر دانسته و مخالفت خود را با آن اعلام کرده‌اند، اما همچنان در بسیاری از کشورهای دنیا، از جمله در افغانستان و ایران، این «درمان‌های اصلاحی» جرم‌انگاری نشده و با هدف «تغییر» گرایش جنسی و هویت جنسیتی افراد صورت می‌گیرد. در «درمان‌های اصلاحی»، توسل به خشونت بخشی انکارناپذیر در پروسه به اصطلاح «درمان» افراد است؛ درمان‌گر گاه با اقداماتی نظیر بستری کردن افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در بیمارستان روانی، تجویز قرص‌های قوی اعصاب و روان، شوک الکتریکی دادن به اندام‌های جنسی و اجبار افراد به تماشای پورنوگرافی دگرجنس‌گرا متوسل می‌شود. این درمان‌های اصلاحی در افغانستان و ایران می‌تواند به اشکال دیگری

نیز صورت گیرند، برای نمونه اجبار افراد به ازدواج علیرغم میل باطنی خود، فشار برای انجام اعمال مذهبی نظیر خواندن کتب دینی و مذهبی، سفرهای مذهبی، روزه گرفتن و غیره از جمله اقداماتی هستند که توسط اطرافیان، خصوصا والدین اعمال می‌شوند تا گرایش جنسی و هویت جنسیتی فرزندان، هم‌والدان و برادران و خواهران، همسر و اطرافیان خود را مطابق با خواست خود و هنجار اجباری جامعه در آورند.

در مثال دیگر می‌توان از «خشونت‌های جنسیتی اصلاحی» نام برد که برای اصلاح و درمان افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به کار گرفته می‌شود. در این روش که بیشتر برای «تغییر» گرایش و هویت جنسیتی زنان ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ خصوصا زنان لزبین و دوجنسگرا به کار می‌رود از «تجاوز اصلاحی» برای تغییر گرایش آنها از تمایل به رابطه با جنسیت مشابه به رابطه با فرد با جنسیت متفاوت استفاده می‌شود. این خشونت که ریشه در همجنسگراستیزی، دوجنسگراستیزی، ترنس‌ستیزی و مردسالاری نهادینه شده در جامعه دارد، از باوری سراسر نادرست نشأت می‌گیرد که وادار کردن افراد به انجام رابطه جنسی با دخول قدرت شفا بخشی داشته و می‌تواند کشش عاطفی، جنسی و در کل علاقه به رابطه با جنسیت مشابه را از بین ببرد. طبیعتا افرادی که دست به این اقدام می‌زنند، آنرا «تجاوز» نمی‌دانند، در حالیکه رضایت، رکن اصلی رابطه را نادیده می‌گیرند. برای مردان جامعه، این خشونت شکل دیگری به خود می‌گیرد اما همچنان نادیده گرفتن رضایت فرد اصل بنیادین آنست. این کار نقض شدید حقوق بشر افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ است. این دست از اقدامات نظیر درمان‌ها و خشونت‌های اصلاحی سبب می‌شود تا افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به حاشیه رانده شوند، نسبت به بدن خود شرم داشته باشند، نتوانند با دیگر اعضای جامعه رنگین‌کمانی رابطه عمیق شکل دهند، دچار تروما و آسیب‌های روانی حاصل از این خشونت‌های عریان شوند و در موارد حاد، اقدام به خودکشی کنند و زندگی خود را پایان دهند.

ناگفته پیداست که پشت هر واژه، تاریخ، فرهنگ و تفکر مشخصی نهفته است. اگرچه پرهیز از استفاده از کلمات با بار منفی برای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به تنهایی کافی نیست و باید با تفکر، برداشت‌ها و فرهنگ ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ستیز و بیمار پشت این واژه‌ها مقابله کرد، اما باید دانست که یکی از مهم‌ترین راه‌های اصلاح فرهنگ در واقع از همین واژگان می‌گذرد. به بیان دیگر رابطه علت و معلولی بین واژگان و فرهنگ یک رابطه دوسویه است. به این معنا که همانقدر که لغات نادرست از فرهنگ نادرست سرچشمه می‌گیرند به همان میزان هم لغات نادرست توانایی ترویج و گسترش فرهنگ غلط را دارند، چرا که هم فرهنگ از لغات تغذیه می‌کند و هم لغات موجود از فرهنگ. از این رو ضروری است که نه تنها از به‌کارگیری واژه‌های نادرست یا با بار منفی پرهیز کنیم، بلکه فعالانه برای تغییر فرهنگ و نگرش‌های منفی که این واژه‌ها را تغذیه می‌کنند، تلاش کنیم. تنها با مقابله همزمان با زبان و فرهنگ تبعیض‌آمیز می‌توان به ساختن جامعه‌ای فراگیر و همه‌شمول که به همه افراد، فارغ از گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان، احترام می‌گذارد امیدوار بود.

این دقیقا همان چیزی است که ما در این جزوه قصد دنبال کردن آن را داریم چرا که عمیقا معتقدیم که یکی از راه‌های تغییر فرهنگ کویبیرهراس و کویبیرستیز، تغییر فرهنگ زبانی است. به اعتقاد ما این همان چیزی است که سیاستمداران، هنرمندان، جامعه مدنی

و در کل هر قشر و گروهی در جامعه به آن نیاز دارند. در این کتابچه ما لغات نادرست را زیر ذره‌بین خواهیم برد و به چرایی نادرست یا منسوخ بودن آنها اشاره خواهیم کرد، به فرهنگ و تاریخچه استفاده یا خلق آنها خواهیم پرداخت و جایگزین مناسب برای هر کدام که مورد قبول اکثریت جامعه افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس، میان‌جنسی، و کوئیر است را ارائه خواهیم کرد، به عبارت دیگر، کتابچه پیش رو مرجع و منبعی خواهد بود تا لغات صحیح را از لغات غلط تمیز دهیم و بتوانیم آنها را در هر شرایطی به کار ببریم، بدون آن که موجب آزار و اذیت سایرین و بازتولید خشونت و زبان خشونت‌آمیز شویم.

ذکر این نکته ضروری است که این کتابچه با نظر و مشورت کنشگران و اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ افغانستان تهیه شده است تا نتیجه‌ای همه‌شمول و مورد قبول اکثریت جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی افغانستان به ما بدهد. با این حال، ناگفته پیداست که ممکن است لغاتی که در این کتابچه به عنوان لغات صحیح به شما ارائه می‌شوند، با گذر زمان منسوخ شده و با گزینه‌های دیگری که مطابق با ظرف زمان هستند جایگزین شوند. همانطور که در گذشته بسیاری از لغات دستخوش تغییر شده‌اند، این امکان وجود دارد که آنچه که شما اکنون در دست دارید نیز مشمول همین سرنوشت شود.

علاوه بر این، ما به آموزش واژگان صحیح بسنده نمی‌کنیم. در این جزوه به تفصیل به معرفی گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی می‌پردازیم و درباره هر کدام از آنها توضیحات کاملی ارائه خواهیم داد. در انتها باید اشاره داشت که کتابچه پیش رو با هدف ترویج دانش در زمینه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، صرفاً با تمرکز بر جامعه افغانستان تهیه شده است، با این حال مثال‌هایی از اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران را هم در برمی‌گیرد. این کتابچه صرفاً به مرور کلمات فارسی دری بسنده می‌کند به این امید که در آینده نه چندان دور، نسخه پشتو این کتابچه با نگاهی ویژه به فرهنگ زبانی پشتو نیز ارائه شود.



از تنوع گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی چه می‌دانیم؟

برای اشاره به جامعه مورد نظر ما، یعنی همه افرادی است که زیر چتر بزرگ گرایش‌ها و رفتارهای جنسی و بیان و هویت‌های جنسیتی («غیر هنجاری»)، یعنی غیر تک‌جنس‌گرا و غیر همسوجنسیتی و خارج از دوگانه جنسی و جنسیتی و در کل خارج از هنجار حاکم قرار می‌گیرند، کلمات و مخفف‌های مختلفی استفاده می‌شود، مثل ال‌جی‌بی‌تی، ال‌جی‌بی‌تی‌آی و غیره. ما اینجا از ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ استفاده کرده‌ایم که مخفف واژگان انگلیسی لزبین، گی، بای، ترنس، کوئیر و بعضی مخفف‌ها از حرف A، آی برای اشاره به افراد اینترسکس، و حرف A، برای افرادی اسکشوال در زبان انگلیسی در این مجموعه مخفف‌ها استفاده می‌کنند.

در زبان فارسی دری، مثل زبان‌های دیگر یک واژه فراگیر برای این جامعه نداریم و از جامعه رنگین‌کمانی، اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، و یا دگرباشان جنسی و جنسیتی استفاده می‌کنیم؛ این جامعه مجموعه‌ای بسیار متنوع از افراد با رفتار، گرایش‌ها و بیان و هویت‌های جنسیتی گوناگون است. این افراد با وجود تفاوت‌هایشان، همگی زیر یک چتر مشترک جمع می‌شوند و جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را شکل می‌دهند که نمادی از تنوع جامعه انسانی و تلاش برای پذیرش در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و هم ساختن جهانی همه‌شمول است. گرایش به جنسیت مشابه و پیروی نکردن از هنجارهای دوگانه مسلط جنسیتی برای سال‌ها و قرن‌های متمادی و در بسیاری از جوامع امری نامطلوب و نکوهیده تلقی می‌شد. افراد این جامعه با تابوها، انگ‌زنی‌ها و بیماری‌انگاری‌ها مواجه بودند و به عنوان عامل شیوع و سرایت ویروس‌ها و بیماری‌ها معرفی می‌شدند؛ برای مثال، در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در آمریکا، شیوع ویروس اچ‌آی‌وی و بیماری ایدز به مردان همجنس‌گرا نسبت داده شد، تا آنجا که این ویروس را به اشتباه «ویروس مردان همجنس‌گرا» یا «ویروس گی‌ها» نام دادند. این تابو و ناشناخته بودن ویروس اچ‌آی‌وی و راه‌های انتقالش موجب شد بسیاری در سکوت جان خود را از دست بدهند و آن دوران به عنوان یکی از دوره‌های سخت و تاریک در حافظه تاریخی و ذهن و یاد افراد گی و جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ بماند. در این دوره که مردان این جامعه تحت فشار مضاعف بودند، زنان همین جامعه به یاری آنها شتافتند و شکل نابی از همدلی و همبستگی جامعه را به نمایش گذاشتند. این تنها یکی از دوره‌های تاریخی حذف و نادیده‌انگاری جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ بود. با گذشت زمان و گسترش علم و آگاهی و تلاش مستمر کنشگران، سازمان‌های بهداشت و سلامت به بررسی دقیق‌تر این فرضیه‌ها پرداختند و تمام ادعاهایی که همجنس‌گرایان و دوجنس‌گرایان را عامل

انتقال بیماری یا مبتلا به بیماری‌های روانی می‌دانست، مردود اعلام کردند. در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۳، انجمن روان‌پزشکی آمریکا در یک تصمیم تاریخی، همجنسگرایی را از فهرست بیماری‌های روانی خارج کرد. سازمان جهانی بهداشت نیز در ۱۷ مه ۱۹۹۰، همجنسگرایی را از فهرست اختلالات روانی حذف کرد. این اقدامات سرآغاز تحولی بزرگ در دیدگاه‌های علمی و اجتماعی بود و به تدریج دیگر نهادهای روان‌شناسی و روان‌پزشکی در سراسر جهان نیز به این تصمیم پیوستند و همجنسگرایی را به‌عنوان یک گرایش طبیعی و غیربیمارگونه به رسمیت شناختند. بازنگری در بیماری‌انگاری هویت‌های ترنس با تاخیری بلندتر و در سال ۲۰۱۷ انجام شد و به این ترتیب هویت‌های ترنس از فهرست بیماری‌های روانی حذف شد. همانطور که می‌دانید، واژه‌های مربوط به سکشوالیته بواسطه طبیعت آن، همیشه در حال رشد و تغییر هستند. در ادامه به بررسی اصلی‌ترین واژگان این حوزه می‌پردازیم و توضیح خواهیم داد که این واژگان کدام گروه از جامعه بزرگ ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را نمایندگی می‌کند:

گرایش جنسی (Sexual Orientation)

گرایش جنسی به کشش فرد به دیگری اشاره دارد و می‌تواند هویت افراد هم باشد. این کشش به صورت جنسی، عاطفی، یا زیبایی‌شناختی است و می‌تواند تنها یک یا چند جنبه را دربرگیرد این مفهوم شامل طیف گسترده‌ای از گرایش‌ها می‌شود، از جمله دگرجنسگرا- Hetrosexual (گرایش جنسی به جنسیت غیرمشابه)، همجنسگرا Homosexual (گرایش جنسی به جنسیت مشابه)، دوجنسگرا Bi+ (گرایش جنسی به بیش از یک جنسیت)، همه‌جنسگرا Pansexual (گرایش جنسی به همه جنسیت‌ها) و هیچ‌جنسگرا Asexual (گرایش جنسی کم یا گرایش نداشتن به دیگران).

همواره باید توجه داشت که گرایش جنسی با همه جنبه‌های جنسی، عاطفی، زیبایی‌شناختی سیال است؛ سیالیت گرایش جنسی به این معناست که با وجود این که تصور عمومی این است که افراد در تمام طول زندگی یک گرایش ثابت دارند، مثلاً بسیاری از دگرجنسگرایان در تمام طول زندگی دگرجنسگرا می‌مانند، واقعیت این است که هر شخص در هر مقطعی از زندگی می‌تواند تجربه متفاوتی در جنبه‌های مختلف گرایش جنسی یعنی کشش جنسی، عاطفی یا زیبایی‌شناختی نسبت به جنسیت‌های مختلف داشته باشد و جدای این که خود را طور دیگری هویت‌یابی کند یا نه، زیر چتر گرایش جنسی یا عاطفی دیگری قرار گیرد. به این ترتیب ممکن است فردی سالها خود را به عنوان یک همجنسگرا هویت‌یابی کند و در مقطعی دیگر به عنوان یک دوجنسگرا یا دگرجنسگرا؛ با این حال این سیالیت گرایش جنسی به این معنا نیست که افراد باید نسبت به برداشت خود از گرایش جنسی خود یا دیگران همواره تردید داشته باشند. هیچ شک و تردید یا اشتباهی در رفتار یا انتخاب یا هویت‌یابی فردی که در طول سال‌ها خود را همجنسگرا دانسته و حالا خود را همجنسگرا نمی‌داند وارد نیست.

به بیان دیگر، هر فرد می‌تواند در هر بازه زمانی به درکی جدید از خود، گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود برسد که هیچ کدام ناقض برداشت‌های قبلی او نخواهد بود. از این رو مهم است که به درک افراد از گرایش جنسی‌شان احترام گذاشته و گرایش آنها را همانگونه که خود می‌خواهند یا هویت‌یابی می‌کنند، باور کنیم. علاوه بر این، نکته مهم

دیگر که همواره باید در رابطه با گرایش جنسی افراد مدنظر داشت، این است که هیچ فردی نه تنها نیاز به اثبات خود ندارد که برای هویت‌یابی یا درک گرایش جنسی خود هم نیازی به انجام رابطه جنسی ندارد و لذا درک و انتخاب شخصی فرد، تنها ملاک است.

گرایش عاطفی

پیش از صحبت درباره گرایش عاطفی لازم است در ابتدا به تفاوت آن با کشش عاطفی بپردازیم. همانطور که در تعریف گرایش جنسی دیدیم، گرایش شامل کشش‌های جنسی، عاطفی و زیبایی‌شناختی می‌شود. اما وقتی فردی با کشش عاطفی خود هویت‌یابی می‌کند، یعنی به نظر خودش، این کشش بخش بزرگ و مهمی از وجود او را تشکیل می‌دهد، می‌تواند از آن به عنوان گرایش عاطفی خود یاد کند. یادآوری می‌کنیم که هم درک کشش و هم هویت‌یابی بر عهده و انتخاب فرد است. برای مثال فردی می‌تواند خود را بابه این معنا که فرد می‌تواند کشش عاطفی به یک فرد یا گروهی از افراد داشته باشد، بدون آن‌که لزوماً کشش جنسی نسبت به آن‌ها داشته باشد. برای مثال، فردی ممکن است گرایش جنسی خود را دوجنسگرا بداند و به عنوان یک هم‌عاطفه‌گرا هم هویت‌یابی کند. یعنی این فرد کشش جنسی و یا عاطفی و یا زیبایی‌شناختی به بیش از یک جنسیت دارد ولی تنها روابط عاطفی با جنسیت‌های مشابه خود برقرار می‌کند.

گرایش عاطفی بر هویت‌یابی با کشش عاطفی تمرکز دارد، در حالی که گرایش جنسی یک هویت درباره کشش جنسی یا عاطفی یا زیبایی‌شناختی است. برای مثال فردی ممکن است همه‌جنسگرا باشد و به لحاظ جنسی به افراد فارغ از جنسیت یا هویت جنسیتی آنها گرایش داشته باشد اما به لحاظ عاطفی فقط به یک جنسیت یا هویت جنسیتی خاص گرایش عاطفی داشته باشد. گرایش عاطفی بخش مهمی از هویت افراد است و می‌تواند به درک بهتر روابط و نیازهای احساسی او کمک کند. در ادامه به ذکر چند نمونه از انواع گرایش‌های عاطفی می‌پردازیم:

این مفهوم شامل طیف گسترده‌ای از گرایش‌ها می‌شود، از جمله دگرعاطفه‌گرا Hetero-Romantic (افرادی که گرایش عاطفی به جنسیت متفاوت با خود دارند)، گرایش عاطفی هم‌عاطفه‌گرا-Homoromantic (افرادی که گرایش عاطفی به جنسیت مشابه دارند)، دوعاطفه‌گرا-Biromantic (افرادی که به بیش از یک جنسیت گرایش عاطفی دارند)، گرایش عاطفی همه‌عاطفه‌گرا-Panromantic (افرادی که بدون توجه به جنسیت یا هویت جنسیتی، گرایش عاطفی به افراد مختلف دارند)، هیچ‌عاطفه‌گرا-Aromantic (افرادی که هیچ‌گونه گرایش عاطفی ندارند. این افراد ممکن است همچنان به دیگران وابستگی احساسی یا دوستانه داشته باشند)، کم‌عاطفه‌گرا-Greyromantic (افرادی که به ندرت یا فقط در شرایط خاصی کشش عاطفی را تجربه می‌کنند)، نیم‌عاطفه‌گرا-Demiromantic (افرادی که فقط پس از ایجاد یک پیوند عمیق با کسی، گرایش عاطفی به او را تجربه می‌کنند).

هویت جنسی (Sexual Identity)

هویت جنسی به برداشت و درک فرد از تمایلات جنسی یا عاطفی‌اش نسبت به دیگران اشاره دارد. هویت جنسی بخشی از هویت شخصی فرد محسوب می‌شود که بازتاب‌دهنده شناخت او از امیال جنسی خود است. این هویت می‌تواند در طول زندگی تغییر کند و لزوماً با جنسیت نسبت داده شده در بدو تولد بر اساس ظاهر اندام جنسی، رفتار جنسی، یا گرایش جنسی واقعی فرد هم‌خوانی ندارد. برای نمونه، فردی که همجنسگراست و در محیطی زندگی می‌کند که با رابطه با جنسیت مشابه مخالفت می‌شود یا حقوق افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در آن رعایت نمی‌شود، ممکن است از لحاظ هویتی خود را همجنسگرا نداند یا اینکه جز دگرجنسگرایی از وجود گرایش دیگری اطلاع نداشته باشد. شکل‌گیری هویت جنسی فرآیندی پیچیده و گاهی دشوار است. بر خلاف دیگر گروه‌های اجتماعی، همچون گروه‌های مذهبی، اتنیکی یا نژادی، بیشتر افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در میان افرادی بزرگ می‌شوند که داشتن هویت جنسی مرتبط با ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را تابو یا ننگ می‌دانند و از این رو، نمی‌توانند درباره هویت خود از آنان یاد بگیرند یا از حمایت هویتی برخوردار شوند. به طور مثال، بسیاری از افراد همجنسگرا در جوامعی پرورش می‌یابند که نسبت به رابطه با جنسیت مشابه یا ناآگاه‌اند یا با آن برخوردی خصمانه دارند. باید یادآوری کنیم که هویت دانستن یک گرایش جنسی تنها توسط خود فرد، در زمان مناسب برای او انجام می‌شود و کسی نمی‌تواند بر اساس ظاهر یا رفتار فرد هویت جنسی او را تعیین کند.

هویت جنسیتی (Gender Identity)

هویت جنسیتی، درک درونی یک فرد از جنسیت خویش است که ممکن است با جنسیتی که در بدو تولد و بر اساس ظاهر اندام جنسی به او نسبت داده شده، یکی باشد یا نباشد. این بدان معناست که فردی که در آغاز تولد جنسیت مرد به او نسبت داده شده، ممکن است به عنوان زن، یا خارج از دوگانه زن و مرد یا هر جای دیگری در طیف غیرخطی جنسیت هویت‌یابی کند. باید توجه داشت که هویت جنسیتی افراد را نمی‌توان از ظاهر، آناتومی، رفتار مشابه یا متفاوت با هنجارها یا کلیشه‌های اجتماعی تشخیص داد. نکته مهم دیگر، سیالیت هویت جنسیتی است؛ هویت جنسیتی هم مثل هویت جنسی سیال است، یعنی درک فرد از جنسیتش می‌تواند در طول زمان تغییر کند و شکل و هویت دیگری به خود بگیرد. برای مثال فردی که در گذشته خود را زن هویت‌یابی می‌کرده، ممکن است اکنون هویتش را خارج از چارچوب دوگانه رایج در جامعه، یعنی مرد و زن بداند و خود را با هویت جنسیتی غیردوگانه معرفی کند. در چنین شرایطی درست مثل سایر هویت‌ها، دیگران باید به او احترام بگذارند و دیگر از ضمایر زنانه برای خطاب قرار دادن او استفاده نکنند. به همین دلیل است که به طور کلی پیشنهاد می‌شود که پیش از شروع هر گفت‌وگو، به جای حدس زدن جنسیت افراد بر اساس ظاهر آنها، ضمایر جنسیتی افراد را از خودشان سوال کنیم تا از بروز هرگونه کدورت و سوءتفاهم پیشگیری کنیم. برخی زبان‌ها همچون زبان فارسی ضمایر خنثی هستند اما از پیشوندهای جنسیتی مثل خانم و آقا استفاده می‌شود. در زبان‌های دیگری مثل پشتو، عربی، آلمانی، فرانسوی و یا انگلیسی علاوه بر ضمایر جنسیتی، کلمات هم جنسیت دارند. برخی از ضمایر رایج در زبان

انگلیسی عبارتند از: Her/She، Him/He، Them/They و در ادامه چند مثال از هویت‌های متنوع جنسیتی را معرفی می‌کنیم:

- **همسوجنسیتی (Cisgender):** فردی که درک او از جنسیتش با جنسیتی که در زمان تولد و بر اساس ظاهر اندام جنسی به او نسبت داده شده یکی است. به بیان ساده‌تر، جنسیتی را که جامعه در آغاز تولد به او نسبت داده، می‌پذیرد و با آن مشکلی ندارد. برای مثال، فردی که در زمان تولد با اندام جنسی ظاهراً منتسب به زنانه متولد شده و به او کارت شناسایی/ تذکره با هویت منتسب به زنانه داده شده و در مدرسه و مکتب و باقی فضاهای اجتماعی و شخصی به عنوان دختر بزرگ شده و حالا هم در دوران بزرگسالی خود را به عنوان یک زن هویت‌یابی می‌کند. گاهی از این واژه برای تأکید بر این موضوع استفاده می‌شود که شخص مورد نظر، یک فرد ترنس یا دارای هویت جنسیتی غیردوگانه نیست.

- **ترنس‌جندر (Transgender):** فردی که هویت جنسیتی‌اش با جنسیتی که در زمان تولد و بر اساس ظاهر اندام جنسی‌اش به او نسبت داده شده متفاوت است. برای مثال، کسی که در زمان تولد با بدن منتسب به مردانه متولد شده و به او کارت شناسایی/ تذکره با هویت منتسب به مردانه داده شده، در طول کودکی و شاید هم بخشی از بزرگسالی خود را پسر یا مرد می‌دانسته ولی امروز خود را به عنوان یک زن هویت‌یابی می‌کند، ممکن است خود را به عنوان یک زن ترنس معرفی کند. ترنس، واژه‌ای کوتاه شده برای ترنس‌جندر است و فرای هویت جنسیتی به عنوان یک صفت هم استفاده می‌شود، مثل مرد ترنس، ترنس نان‌باینری یا ترنس با جنسیت غیردوگانه.

- **جندر کوییر- جنسیت کوییر (Genderqueer):** این اصطلاح توسط افرادی استفاده می‌شود که تمایزات جنسیتی سنتی را رد می‌کنند. به بیان دیگر هویت جندرکوییر به افرادی اشاره دارد که از هنجارهای جنسیتی سنتی و جنسیت اطلاق در هنگام تولد پیروی نمی‌کنند. این افراد هویت خود را خارج از چارچوب دوگانه سنتی «زن» و «مرد» تعریف می‌کنند. افراد جندرکوییر ممکن است احساس کنند که هویتشان نه کاملاً در قالب «مردانگی» و نه کاملاً در قالب «زنانگی» جای می‌گیرد. برخی از افراد جندرکوییر ممکن است خود را ترنس بدانند، در حالی که دیگران ممکن است این هویت را نداشته باشند و هویت جنسیتی‌شان ممکن است سیال، آندروجین، یا کاملاً خارج از دامنه لغات و جنسیت‌هایی باشد که می‌شناسیم.

- **هویت جنسیتی غیر دوگانه (Non-binary):** فردی که خود را به صورت انحصاری به عنوان مرد یا زن شناسایی نمی‌کند و جنسیت را خارج از این قالب دوگانه می‌داند. این فرد ممکن است خود را به عنوان ترکیبی از هر دوی این جنسیت‌ها، جنسیتی نزدیک به جنسیت مرد یا نزدیک به جنسیت زن و یا با جنسیتی کاملاً متفاوت و بدون نسبتی از جنسیت دوگانه زن و مرد هویت‌یابی کند. در واقع، «هویت جنسیتی غیر دوگانه» می‌تواند زیرمجموعه‌ای از «جنسیت کوییر» باشد، همانطور که هر جنسیتی غیرهمسو می‌تواند زیرمجموعه یا زیر چتر هویت ترنس باشد. به بیان دیگر هر فرد با هویت جنسیتی غیردوگانه می‌تواند جندرکوییر باشد، اما هر فرد جندرکوییر لزوماً

دارای هویت غیردوگانه نیست.

برای درک بهتر تفاوت میان هویت جنسیتی غیردوگانه با هویت جنسیت کوپیر از یک مثال استفاده می‌کنیم: لیلیا دارای هویت جنسیتی غیردوگانه است. او جنسیتش را خارج از دوگانه مرد/زن می‌داند و همیشه خودش را به این شکل هویت‌یابی می‌کند. فرشته هم خود را جنسیت کوپیر معرفی می‌کند. او هویتش را به‌عنوان یک ترکیب سیال از جنسیت‌های مختلف تعریف می‌کند و گاهی با بیان جنسیتی منتسب به مردانه یا زنانه ظاهر می‌شود، بدون اینکه خودش را در هیچ کدام از این قالب‌ها محدود کند. در این مثال، لیلیا هویت جنسیتی غیردوگانه دارد، در حالی که فرشته با هویت جنسیتی سیال و منعطف، خود را جنسیت کوپیر می‌داند. افراد با هویت جنسیتی غیردوگانه می‌توانند بیان‌های جنسیتی مختلفی داشته باشند و ممکن است از ضمیر متفاوتی مانند «they/He»، «they/She»، «Them/They» یا هر ضمیر دیگری استفاده کنند. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که داشتن هویت‌های جنسیتی غیردوگانه پدیده‌ای جدید نیست. بسیاری از فرهنگ‌ها در سراسر جهان قرن‌هاست که هویت‌های خارج از چارچوب دوگانه «مرد» و «زن» را به رسمیت شناخته و به آن‌ها احترام می‌گذارند. بنابراین مهم است که به افراد با هویت جنسیتی غیردوگانه، درست مثل باقی افراد با استفاده از نام‌ها و ضمیر انتخابی آن‌ها احترام بگذاریم. حتی اگر تجربه آن‌ها را به طور کامل درک نمی‌کنیم، یا با تصورات یا انتظارات حاصل از کلیشه‌های رایج درباره بیان جنسیتی هماهنگ نباشند، نشان دادن احترام و حمایت نه تنها می‌تواند تأثیر مثبت قابل توجهی بر زندگی آن‌ها داشته باشد بلکه نشانگر این است که ما به تجربه و هویت‌یابی افراد احترام می‌گذاریم.

• **آندروجین (Androgin):** آندروجین به افرادی گفته می‌شود که از ظاهر یا رفتار آنها نمی‌توان جنسیت آنها یا ویژگی‌های جنسی آنها بر اساس دوگانه مرد/زن را حدس زد چرا که آنها ترکیبی از ویژگی‌های ظاهری و رفتاری منتسب به مردانه و زنانه را دارند و رفتار و ظاهر آن‌ها در یکی از قالب‌های دو گانه «مرد» یا «زن» نمی‌گنجد. افراد آندروجین ممکن است از نظر ظاهری یا رفتاری، هم مردانه و هم زنانه به نظر برسند و حتی ممکن است هویت جنسیتی خود را کاملاً بین این دو جنسیت تعریف کنند. با این که در گذشته‌ای نه چندان دور استفاده از واژه اندروجین به خصوص برای افراد میان‌جنسی یا ترنس توهین‌آمیز تلقی می‌شد، امروزه این واژه به انعطاف‌پذیری در ابراز جنسیت اشاره دارد که ممکن است شامل استفاده از لباس، سبک زندگی، یا رفتارهایی باشد که دو جنسیت زن و مرد را در بر می‌گیرد. افراد آندروجین ممکن است از ضمیر خنثی جنسیتی مانند «them/they» استفاده کنند و ترجیح دهند خارج از دوگانه جنسیتی سنتی شناخته شوند.

• **جندر فلوید - جنسیت سیال (Genderfluid):** «جندر فلوید» یا «جنسیت سیال» فردی است که هویت جنسیتی او ثابت نیست و در زمانی نسبتاً کوتاه تغییر می‌کند. مثلاً جنسیت یک فرد جندر فلوید ممکن است روز به روز، ماه به ماه، سال به سال، یا ده سال به ده سال تغییر کند و یا الگوی مشخصی هم نداشته باشد. یک فرد جندر فلوید ممکن است روزی هم پسر باشد و هم دختر، و روز دیگر بی‌جنسیت باشد. این تغییرات جنسیت سیال می‌تواند درونی (احساسات شخصی) یا بیرونی (نحوه ابراز جنسیت، تغییراتی در ظاهر، رفتار و

ضمایر جنسیتی) باشند و لزوماً همیشه شامل هر دو جنبه نمی‌شوند.

- **بی‌جنسیت (Agender):** فردی که هیچ جنسیتی را تجربه نمی‌کند یا خود را با هیچ جنسیتی هویت یابی نمی‌کند و شاید به طور کلی اصلاً برای جنسیت اهمیت هویتی قائل نیست. این فرد ممکن است از لحاظ جنسیتی احساس خنثی بودن داشته باشد یا هیچ ارتباطی با دسته‌بندی‌های جنسیتی سنتی نداشته باشند.

- **دوجنسیتی (Bigender):** دوجنسیتی به فردی گفته می‌شود که خود را با دو جنسیت متفاوت شناسایی می‌کند. نکته مهم درباره واژه دوجنسیتی این است که این واژه تنها به «تعداد» هویت‌های جنسیتی یک فرد اشاره دارد، نه «نوع» هویت‌های جنسیتی او، به علاوه زمانی که گفته می‌شود یک فرد دوجنسیتی صرفاً دو هویت جنسیتی را تجربه می‌کند به این معنا نیست که نوع این دو هویت جنسیتی لزوماً در دوگانه سنتی «مرد» و «زن» قرار می‌گیرد؛ به طور مثال یک فرد دوجنسیتی ممکن است به طور متناوب «هویت زنانه و غیردوگانه» یا «هویت مردانه و غیردوگانه» را تجربه کند. هر فرد دوجنسیتی ممکن است به شیوه‌ای منحصر به فرد این هویت‌ها را تجربه کند. هویت جنسیتی بعضی ممکن است به صورت روزانه تغییر کند در حالیکه بعضی دیگر ممکن است این جابجایی و تغییرات را کمتر احساس کنند. هویت جنسیتی دوجنسیتی همانند دیگر هویت‌های جنسیتی مجزا از «گرایش جنسی» افراد است و نباید «دوجنسیتی» را به عنوان یک هویت جنسیتی با «دوجنسگرایی» به عنوان یک گرایش جنسی اشتباه گرفت. بنابراین دوجنسیتی بودن مشخصاً به تجربه و ترکیب «دو» هویت جنسیتی خاص اشاره و بر تجربه و احساس فرد در چارچوب این دو هویت تأکید دارد، در حالیکه دیگر هویت‌های جنسیتی که قبل تر از آنها نام بردیم می‌توانند دامنه وسیع تری از تجربیات و تعاریف جنسیتی را در بر بگیرند.

- **دو روحی (Two-Spirit):** اصطلاح «دو روحی» یک مفهوم چتری است که در برخی فرهنگ‌های بومی آمریکای شمالی، برای توصیف فردی به کار می‌رود که ویژگی‌های دو جنسیت مردانه و زنانه را در خود دارد. در این فرهنگ‌ها، فرای زن و مرد، جنسیت سومی به شکل فردی با روح دوگانه تجسم می‌یابد. دوروحی به عنوان یک مفهوم فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد در میان بومیان آمریکا شناخته شده و در دیگر نقاط جهان تنها برای اشاره به افرادی که خود را اینگونه هویت‌یابی می‌کنند، استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، در میان مردم «نوآهو»، فردی که به عنوان دوروح شناخته می‌شود، ممکن است هم در فعالیت‌هایی که در چارچوب کلیشه‌های سنتی به عنوان کارهای «مردانه» شناخته می‌شوند (مثل شکار) و هم در نقش‌هایی که از نظر سنتی «زنانه» تلقی می‌شوند (مثل بافندگی) شرکت کند. این انعطاف‌پذیری نقش‌های جنسیتی در جامعه «نوآهو» به عنوان هدیه‌ای معنوی و فرهنگی پذیرفته شده است.

بیان جنسیتی (Gender Expression)

بیان جنسیتی به روشی که یک فرد به‌طور ظاهری هویت جنسیتی خود را از طریق ظاهر، پوشش، رفتار و دیگر ویژگی‌های خارجی نشان می‌دهد، اشاره دارد. این می‌تواند شامل لباس، مدل مو، آرایش و تزئینات مانند زیورآلات باشد. رفتار نیز در بیان جنسیتی نقش مهمی ایفا می‌کند و شامل شیوه‌های رفتاری، الگوهای گفتاری و زبان بدن نیز می‌شود. برای نمونه، ممکن است فردی برای تطابق با هویت جنسیتی خود از حرکات خاص یا شیوه‌های گفتاری ویژه‌ای استفاده کند. آنچه مهم است بدانیم این است که بیان جنسیتی می‌تواند در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به‌طور گسترده‌ای متفاوت باشد، مثل کشیدن سرمه در چشم‌ها که می‌تواند جایی آرایش مختص زنان باشد و جایی آرایشی روزمره برای همه جنسیت‌ها. آنچه در یک فرهنگ به‌عنوان مردانه یا زنانه یا هیچکدام از این‌ها در نظر گرفته می‌شود، ممکن است در فرهنگی دیگر متفاوت باشد. علاوه بر این، مهم است که توجه داشته باشیم بیان جنسیتی لزوماً با هویت جنسیتی یا گرایش جنسی فرد مرتبط نیست. برای مثال، یک زن همسو جنسیتی ممکن است بیان جنسیتی داشته باشد که در جامعه مردانه تلقی می‌شود اما همچنان خود را به‌عنوان یک زن شناسایی کند.

ویژگی‌های جنسی (Sex Characteristics)

ویژگی‌های جنسی به صفات فیزیکی مرتبط با بدن انسان اشاره دارد، از جمله ویژگی‌های اولیه مانند اندام‌های باروری (مثلاً بیضه‌ها یا تخمدان‌ها) و ویژگی‌های ثانویه مانند موهای بدن، تن صدا یا رشد سینه (پستان‌ها). ویژگی‌ها معمولاً برای تعیین جنسیت در زمان تولد استفاده می‌شوند، اما این تعیین جنسیت اغلب به‌صورت دوگانه مرد یا زن انجام می‌شود و همه افراد در این چارچوب نمی‌گنجند. به‌عنوان مثال، افراد میان‌جنسی ممکن است ترکیبی از ویژگی‌های فیزیکی منتسب به مردانه و زنانه داشته باشند، مانند اندام جنسی با ویژگی‌های ترکیبی که با انتظارات مرسوم از اندام جنسی منتسب به مردانه یا زنانه تطابق ندارد.

ویژگی‌های جنسی اما همیشه قابل مشاهده نیستند؛ به‌عنوان مثال، ممکن است ظاهر اندام جنسی یک فرد میان‌جنسی شبیه اندام منتسب به زنانه باشد، اما اندام باروری داخلی، مانند بیضه داشته باشد که منتسب به مردان است. این تنوع می‌تواند از بدو تولد وجود داشته و آشکار شود، در دوران بلوغ آشکار شود و یا حتی ممکن است فرد هیچگاه متوجه این تغییرات نشود. بسیاری از افراد میان‌جنسی با فشارهای اجتماعی و پزشکی برای تطابق با تعاریف دوگانه مرد یا زن مواجه می‌شوند که می‌تواند به آسیب‌های جسمی و روانی منجر شود. گاهی والدین افراد میان‌جنسی، به توصیه پزشکان، در دوران کودکی تصمیم می‌گیرند با انجام جراحی، ویژگی‌های جنسی کودک را به یکی از خصوصیات منتسب به مردانه یا زنانه نزدیک کنند. این تصمیم، معمولاً بدون توجه به پیامدهای روانی، جسمی و اجتماعی بلندمدت اتخاذ می‌شود و تأثیرات زیان‌باری بر آینده فرد دارد. از این جراحی‌ها به مثله‌سازی جنسی افراد میان‌جنسی یاد می‌شود که خوشبختانه در بسیاری از کشورها ممنوع شده است.

افراد ال جی بی تی کیو+ چه کسانی هستند؟

در این فصل، ما به تنوع گسترده‌ای از هویت‌های جنسی و جنسیتی می‌پردازیم که افراد ال جی بی تی کیو+ را تشکیل می‌دهد. این افراد در جوامع مختلف به طرق گوناگون هویت‌های خود را تجربه و ابراز می‌کنند. از همجنسگرایان که به جنسیت مشابه خود گرایش دارند، تا دوجنسگرایان که به بیش از یک جنسیت گرایش دارند. افراد ترنس، کسانی که هویت جنسیتی‌شان با جنسیت اطلاق شده در بدو تولد متفاوت است و افراد میان‌جنسی که ویژگی‌های جنسی آن‌ها خارج از تعریف‌های سنتی ویژگی‌های مردانه یا زنانه است، بخشی از این تنوع هستند. در این فصل به بررسی و درک بهتر این هویت‌ها و تجربیات می‌پردازیم، به این امید که بستر مناسب و گسترده‌تری برای فهم و پذیرش این تنوع ایجاد شود.

همجنسگرای زن - لزبین (Lesbian)

این صفت معمولاً افرادی را توصیف می‌کند که جنسیت خود را در طیف «زن» هویت‌یابی می‌کنند و گرایش جنسی به افرادی با جنسیتی مشابه خود دارند. یادآوری می‌کنیم که گرایش جنسی شامل کشش جنسی، عاطفی و یا زیبایی‌شناختی است و افراد لزبین، زنانی هستند که خود را در کشش به زنان دیگر هویت‌یابی می‌کنند. برای مثال فردی به نام سارا را در نظر بگیرید؛ سارا از دوران نوجوانی متوجه شد که احساسات عاشقانه و کشش عاطفی او، به زنان معطوف است. او اکنون با شریک زندگی خود، مریم، که او نیز زنی همجنسگرا است، زندگی می‌کند. سارا در مورد هویت خود به عنوان یک زن لزبین احساس راحتی دارد و از این عنوان برای معرفی خود استفاده می‌کند، در نتیجه کشش عاطفی و عاشقانه پایدار او به زنان، تعریف او را به عنوان یک فرد لزبین مشخص می‌کند.

همجنسگرایی مرد - گی (Gay)

این صفت معمولاً افرادی را توصیف می‌کند که جنسیت خود را در طیف «مرد» هویت‌یابی می‌کنند و گرایش جنسی به افرادی با جنسیتی مشابه خود دارند. یادآوری می‌کنیم که گرایش جنسی شامل کشش جنسی، عاطفی و یا زیبایی‌شناختی است و افراد گی، مردانی هستند که خود را در کشش به مردان دیگر هویت‌یابی می‌کنند. حمید، مرد جوانی از افغانستان، از زمانی که نوجوان بود، متوجه شد که به مردان علاقه دارد. او اکنون با دوست نزدیک خود، نصیر، رابطه‌ای عاشقانه دارد. حمید خودش را به عنوان یک مرد همجنسگرا می‌شناسد و در جمع دوستان صمیمی‌اش که به او اعتماد دارند، درباره احساسات و هویت خود صحبت می‌کند. حمید با علاقه‌اش به نصیر و کشش عاطفی و عاشقانه‌اش به مردان، خود را به عنوان یک فرد همجنسگرا تعریف می‌کند، و در گفتگوهای روزمره با دوستانش از کلمه گی هم استفاده می‌کند.

دوجنسگرا (Bi+)

دوجنسگرا به افرادی اطلاق می‌شود که به بیش از یک جنسیت، کشش عاطفی، زیبایی‌شناختی و یا جنسی دارند و این کشش به جنسیت‌های متفاوت نه لزوماً همزمان و نه لزوماً هم‌شکل و نه لزوماً به یک میزان است. برخلاف تصور رایج، پیشوند «دو» در دوجنسگرایی به معنای کشش به دو جنسیت زن و مرد نیست و به معنای گرایش به بیش از یک جنسیت است که می‌تواند جنسیت مشابه با جنسیت فرد دوجنسگرا و جنسیت‌های متفاوت با جنسیت او باشد. این اشتباه از باورهای سنتی و کلیشه‌های جنسیتی نشأت می‌گیرد که تنها دو جنسیت را می‌پذیرند. این برداشت در کشورهایمانند افغانستان که همچنان درگیر کلیشه‌های دوگانه جنسیتی هستند، رایج است. با این حال، مفهوم دوجنسگرایی گسترده‌تر است و فراتر از چارچوب جنسیت‌های زن و مرد می‌رود. یک نکته مهم در شناخت این گرایش جنسی، درک این موضوع است که افراد دوجنسگرا، درست مانند افراد با سایر گرایش‌ها به هیچ وجه نیازی به تجربه جنسی برای شناخت و درک گرایش دوجنسگرایانه خود ندارند بلکه می‌توانند از طرق مختلف و بر اساس تجربه‌های عاطفی یا روانی، به شناخت خود و هویت‌یابی با گرایش خود برسند. افراد دوجنسگرا در جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها به شمار می‌روند و با تبعیض‌های زیادی روبه‌رو هستند. آن‌ها بیش از دیگران در معرض به حاشیه رانده شدن، انگ‌انگاری‌ها و برچسب‌هایی قرار دارند که نه فقط از سوی جامعه دگرجنسگرا، بلکه از سوی باقی افراد جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+، و به طور مشخص افراد همجنسگرا بر آن‌ها تحمیل می‌شود.

یکی از دلایل اصلی این تبعیض‌ها در «تک‌جنسگرا محوری» نهفته است؛ این دیدگاه تمایلات جنسی را تنها به دوگانه همجنسگرا - دگرجنسگرا محدود کرده و تمایلات جنسی خارج از این دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد. به همین دلیل، هر دو گروه دگرجنسگرا و همجنسگرا از دوجنسگرایان انتظار دارند که در یکی از این دو قالب قرار بگیرند، در حالی که دوجنسگرایی به معنای تمایل به بیش از یک جنسیت است. نگی، زن افغانستانی، در طول زندگی خود متوجه شد که به بیش از یک جنسیت کشش زیبایی‌شناختی، عاطفی

و یا جنسی دارد. او زمانی به دوست دوران جوانی‌اش، پروانه، علاقه‌ای عاشقانه داشت و بعدها در دانشگاه به یکی از هم‌کلاسی‌های مرد خود، مصطفی، احساس عاطفی پیدا کرد. کشش او به افراد مختلف با جنسیت‌های متفاوت لزوماً همزمان یا به یک اندازه نیست. او خود را به‌عنوان یک فرد دوجنسگرا هویت‌یابی می‌کند. نگیں با دوستان نزدیک خود درباره این احساسات صحبت کرده و به آن‌ها توضیح داده که دوجنسگرایی به معنای کشش زیبایی‌شناختی، عاطفی و یا جنسی به بیش از یک جنسیت است، که ممکن است در زمان‌ها و شرایط مختلف تغییر کند.

ترنسجندر (Transgender)

چتراوژه «ترنسجندر» به افرادی اشاره دارد که هویت جنسیتی‌شان با جنسیتی که در زمان تولد و بر اساس ظاهر اندام جنسی به آنها نسبت داده شده، متفاوت است. افرادی که زیر چتراوژه ترنسجندر قرار می‌گیرند، ممکن است هویت جنسیتی خود را با استفاده از یک یا چند اصطلاح مختلف توصیف کنند؛ از جمله «ترنسجندر»، «ترنس» و «نان باینری» یا «ترنس نان‌باینری» یا غیره. برخی از افراد ترنس تمایل دارند تا همه یا بخشی از عمل‌های «بازتایید جنسیت» و «هورمون تراپی» را انجام دهند؛ پروسه‌ای که به آن «ترنزیشن» یا «پروسه گذار» گفته می‌شود و در طی آن افراد ظاهر و کارکرد برخی اندام‌های خود را با تصویر دلخواه‌شان از بدن‌شان منطبق می‌کنند. با این حال، درانجام عمل‌های بازتایید جنسیت، غیر از چارچوب قانونی، «انتخاب شخصی» و «استطاعت مالی» دو فاکتور مهم هستند و به همین خاطر افراد ترنس نباید برای انجام دادن یا ندادن آن تحت فشار قرار بگیرند. متأسفانه در کشورهایی همچون افغانستان و ایران، به دلیل قوانین و هنجارهای اجتماعی حاکم، افراد ترنس تحت فشاری بسیاری قرار دارند تا با انجام عمل‌های بازتایید جنسیت، که در این کشورها به اشتباه «تغییر جنسیت» خوانده می‌شود، بدن خود را هم در یکی از «دوگانه جنسی» منتسب به زنانه یا مردانه جای داده و با کلیشه‌ها و نقش‌های اجتماعی موجود همراه شوند، در غیر این صورت از بسیاری از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود محروم می‌شوند. جدای از سرکوب جنسیتی افراد ترنس برای قرارگیری در دوگانه مرد و زن، یکی دیگر از جنبه‌های تاریک اجبار افراد ترنس برای انجام جراحی، عقیم سازی اجباری افراد ترنس در فرآیند قانونی تطبیق جنسیت در مدارک قانونی است که تبعات جسمی و روحی منفی بسیاری برای افراد این جامعه به همراه دارد.

نکته مهم دیگر که باید مدنظر داشت، استفاده از واژگان صحیح و مورد تایید افراد این جامعه است. برای نمونه، در سال‌های اخیر واژه «ترنسکشوال» به تدریج از دایره واژگان صحیح خارج شده و به واژه‌ای «منسوخ» و «توهین‌آمیز» بدل گشته است. از جمله دلایل منسوخ شدن این واژه، علاوه بر در هم پیچیدن نادرست مفاهیم «ویژگی‌های جنسی» و «جنسیت»، به سابقه بیماری‌انگاران نهفته در آن باز می‌گردد؛ یعنی هر زمان که فرد یا افرادی قصد انگ انگاری افراد ترنس را داشته یا آنها را «بیمار» یا دارای «اختلالات روانی» معرفی می‌کنند از این واژه برای خطاب قرار دادن آنها استفاده می‌کنند. با این حال زمانی که ثابت شد هویت ترنس یک اختلال یا بیماری روانی نیست، این واژه نیز به تدریج مشروعیت خود را ازدست داد. دلیل دیگری که این واژه را از دایره واژگان صحیح خارج می‌کند، «تاکید» بر انجام عمل‌های جراحی و پزشکی‌نگه کردن این هویت است، امری که

فعالان و اعضای جامعه ترنس با آن مخالفت دارند و با آن مبارزه می‌کنند. با این حال، ممکن است همچنان افرادی از درون جامعه افراد ترنس تمایل به استفاده از این واژه داشته باشند، لذا مهم است که بدانیم هر فردی این اختیار را دارد تا با هر واژه‌ای خود را معرفی کند، از این رو در چنین شرایطی اولویت با انتخاب شخصی و آگاهانه افراد بوده و مادامی که یک فرد واژه‌ای را، هر چند «منسوخ» برای خود استفاده می‌کند، باید تا به آن احترام گذاشته شود. برای درک بهتر هویت ترنس از یک مثال استفاده می‌کنیم؛ سعید، مرد افغانستانی، از دوران کودکی همیشه احساس می‌کرد که هویتش با جنسیتی که در زمان تولد برای او تعیین شده بود، مطابقت ندارد. او که در خانواده‌ای سنتی و مذهبی به دنیا آمده بود، به عنوان دختری به نام سمیرا بزرگ شد، اما همیشه خود را پسر می‌دانست. سعید زمانی که در جمع دوستان نزدیکش بود، شروع به استفاده از نام و ضمیر مردانه کرد و احساس کرد که این تغییر به او حس آزادی و راحتی بیشتری می‌دهد. او هنوز به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی افغانستان نمی‌تواند هویت خود را به‌طور کامل آشکار کند، اما در میان دوستان صمیمی‌اش، خود را به عنوان یک مرد ترنس معرفی می‌کند و امیدوار است روزی بتواند آزادانه و با حقوقی برابر هویت واقعی خود را زندگی کند.

کوئیر (Queer)

کوئیر یک چتر واژه است که می‌تواند به عنوان یک هویت جنسی یا جنسیتی تمامی گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی را در خود بگنجاند، به عبارت دیگر این چتر واژه می‌تواند کارایی مشابه با رنگین‌کمانی، دگرباش و یا فرد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ داشته باشد. این چتر واژه توسط افرادی استفاده می‌شود که گرایش جنسی آنها منحصراً دگرجنس‌گرا نیست، با این حال، ممکن است همه افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ تمایلی به استفاده از این واژه برای معرفی خود یا اینکه مورد خطاب قرار بگیرند نداشته باشند؛ همچنین آنهایی که از این واژه برای معرفی خود استفاده می‌کنند ممکن است به دلایل کاملاً متفاوتی از این واژه استفاده کنند. برای نمونه، از آنجا که واژه کوئیر یک چتر واژه است و تنها نشانه این است که گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد چیزی جز همسوجنسیتی و یا دگرجنس‌گرا است، بعضی افراد برای پیشگیری از بروز خطر و آشکار شدن گرایش جنسی یا هویت جنسیتی‌شان یا بی‌علاقه بودن به استفاده از یک برچسب مشخص صرفاً به استفاده از این واژه بسنده می‌کنند و در عین حال نیز تعلق خود را به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ نشان می‌دهند. برای مثال شخصی با وجود اینکه همجنس‌گراست، تمایلی به استفاده از این عنوان برای خود ندارند و صرفاً با بیان اینکه کوئیر است، تعلق خود را به این جامعه نشان می‌دهد. گاهی اوقات افراد با هویت‌های غیردوگانه یا افرادی که از نظر جنسیتی سیال هستند نیز از این واژه برای نام‌گذاری خود استفاده می‌کنند. این لغت که در زبان انگلیسی به معنای «عجیب و غریب» است، برای سال‌های طولانی توسط افراد ال‌جی‌بی‌تی‌ستیز برای تحقیر افراد این جامعه استفاده می‌شد، اما به تدریج، خصوصاً در سال‌های انتهایی دهه هشتاد میلادی، فعالین جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ مبارزاتی را برای خنثی‌سازی بار منفی این لغت آغاز کردند و توانستند این واژه را به نفع خود بازپس بگیرند. در حال حاضر این واژه بار منفی خود را از دست داده است و به واژه‌ای رایج در میان جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ تبدیل گشته است.

میان‌جنسی (Intersex)

«اینترسکس»، «بیناجنسی»، یا «میان‌جنسی» به فردی اطلاق می‌شود که با ویژگی‌هایی از جمله کروموزوم‌ها، هورمون‌ها، اندام‌های باروری و یا جنسی داخلی و خارجی به دنیا آمده‌اند که به طور همزمان ویژگی‌های منتسب به هر دو جنس «مردانه» و «زنانه» را دارند. ویژگی‌های یک فرد میان‌جنسی ممکن است از بدو تولد آشکار باشد، یا در مراحل بعدی زندگی، مانند دوران بلوغ یا در تلاش برای باروری، خود را نشان دهد. بیناجنسی بودن به تفاوت‌های بیولوژیکی بدن افراد مرتبط بوده و ارتباطی به «گرایش جنسی» یا «هویت جنسیتی» آنها ندارد. از همین روی یک فرد میان‌جنسی می‌تواند همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، همه‌جنس‌گرا، هیچ‌جنس‌گرا یا هویت جنسیتی ترنس را داشته باشد. بعضی افراد میان‌جنسی، هویت جنسیتی خود را هم «میان‌جنسی» می‌دانند. بنابراین ممکن است فرد میان‌جنسی خود را ترنس بداند یا نداند.

متأسفانه بسیاری از افراد میان‌جنسی، در بدو تولد یا در دوران طفولیت قربانی سیستم پزشکی و جامعه ناآگاه شده و تحت عمل‌های جراحی «اصلاحی» قرار می‌گیرند. بسیاری از خانواده‌ها بنا به توصیه پزشکان و یا به انتخاب خود تصمیم می‌گیرند تا با انجام برخی جراحی‌ها، بدن فرزند میان‌جنسی را در قالب‌های مرسوم جنسیتی «مردانه» یا «زنانه» قرار دهند بدون اینکه هیچ‌گونه حق انتخابی برای فرزند خود در آینده نظر بگیرند. با تلاش مداوم فعالان میان‌جنسی، این عمل‌های مثله‌سازی جنسی افراد میان‌جنسی پیش از سن قانونی در برخی از کشورها ممنوع شده است.

هیچ‌جنس‌گرا (Asexual)

«اسکسوال»، «هیچ‌جنس‌گرا»، یا «بی‌جنس‌گرا» انواع صفاتی هستند که برای توصیف هویت یا گرایش جنسی استفاده می‌شوند و به زبان ساده، تمام این صفات برای توصیف فردی استفاده می‌شوند که کشش جنسی یا زیبایی شناختی نسبت به دیگران (با هر جنسیتی که داشته باشند) را تجربه نمی‌کند یا به ندرت تجربه می‌کند.

هیچ‌جنس‌گرایی همچنین به عنوان یک واژه چتری استفاده می‌شود به این معنا که می‌تواند گروه‌های دیگری را زیر این چتر در برگیرد، گروه‌هایی شامل افراد نیم‌جنس‌گرا- Demisexual، کم‌جنس‌گرا- Greysexual و هیچ عاطفه‌گرا- Aromantic است:

- **دمی‌سکشوال یا نیم‌جنس‌گرا:** افراد دمی‌سکشوال، کسانی هستند که تحت شرایط خاصی، مانند یک ارتباط عاطفی عمیق، کشش جنسی را تجربه می‌کنند.
- **گری‌سکشوال یا کم‌جنس‌گرا:** افراد گری‌سکشوال کسانی هستند که ممکن است فقط تحت شرایطی خاص یا بسیار نادر کشش جنسی را تجربه کنند. این بدان معناست که ممکن است هنگام انتخاب شریک عاشقانه، اولویتی برای کشش جنسی قائل نباشند و اغلب عشق و محبت خود را به روش‌های غیرجنسی، مانند بغل کردن یا صحبت کردن، نشان دهند. به عبارت دیگر این افراد در جایی بین بی‌جنس‌گرایی کامل

(تجربه‌ی کم یا هیچ کشش جنسی) و آلوسکشوالیتی کامل (تجربه‌ی منظم کشش جنسی) در طیف قرار می‌گیرند.

• **ارومنتیک یا هیچ‌عاطفه‌گرا:** یک فرد اِرومنتیک، که اغلب به عنوان «ارو» نیز شناخته می‌شود، کسی است که کشش رمانتیک کمی به دیگران دارد یا اصلاً چنین کششی را تجربه نمی‌کند. این بدان معناست که چنین فردی معمولاً احساس تمایل به برقراری روابط عاشقانه ندارد. با این حال، یک فرد ارومانتیک همچنان می‌تواند ارتباطات عمیق و معناداری با دیگران داشته باشد، مانند دوستی‌ها یا پیوندهای خانوادگی.

همه‌جنسگرا (Pansexual)

همانطور که از پیشوند «Pan» به معنی «همه» در واژه انگلیسی Pansexual پیدا است، فرد «پنسکشوال» یا «همه‌جنسگرا» فردی است که می‌تواند با همه افراد، فارغ از جنسیت آنها، رابطه عمیق عاطفی، جنسی و یا زیبایی‌شناختی ایجاد کند. یک فرد همه‌جنسگرا می‌تواند کشش جنسی، عاطفی یا زیبایی‌شناختی به مرد، زن، فرد ترنس، فرد بی‌جنسیت و... جنسیتی غیردوگانه، فرد جنسیت کوپیر، فرد جنسیت سیال، و فرد بی‌جنسیت و... تجربه کند و واژه همه‌جنسگرایی را برای اشاره به هویت جنسی خود انتخاب کند. دو گرایش جنسی «دوجنسگرا» و «همه‌جنسگرا» به دلیل نزدیکی تعاریفشان از یک خانواده در نظر گرفته می‌شوند. دوجنسگرایی کشش عاطفی و جنسی و زیبایی‌شناختی به بیش از یک جنسیت است و همه‌جنسگرایی کشش عاطفی و جنسی و یا زیبایی‌شناختی به همه جنسیت‌هاست. به همین دلیل است که واژه جدید Bi+ به عنوان واژه چتری کشش به بیش از یک جنسیتی استفاده می‌شود و به این ترتیب همه‌جنسگرایی و دوجنسگرایی برچسب‌هایی زیر این چتر Bi+ قرار می‌گیرند.

بعلاوه (+)

«بعلاوه» برای نشان دادن تمام هویت‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی استفاده می‌شود که حروف و کلمات هنوز نمی‌توانند به طور کامل توصیف کنند. این علامت جلوی واژه Bi، آن را به Bi+ و واژه چتری برای همه گرایش‌های جنسی غیرتک‌جنسگرایانه تبدیل می‌کند.

معانی اصطلاحات چتری و اهمیت استفاده صحیح از آنها

در این بخش این کتابچه درباره اصطلاحات چتری مرتبط با جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ صحبت خواهیم کرد. اصطلاحات چتری واژگانی هستند که برای توصیف گروهی یا مجموعه‌ای از پدیده‌ها یا کلمات استفاده می‌شوند و اینجا، واژه‌های چتری برای دسته‌هایی از هویت‌های جنسی، جنسیتی و ویژگی‌های جنسی به کار می‌روند تا تنوع انسانی را در این حوزه‌ها به رسمیت بشناسند. استفاده از اصطلاحات چتری مانند «رنگین‌کمانی» اهمیت بسیاری دارد، زیرا با تاکید بر تنوع و احترام به همه هویت‌ها، فضای فراگیرتری برای گفتگو و حمایت از حقوق بشر جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ فراهم می‌کند. در این بحث، به توضیح معانی این اصطلاحات و اهمیت به‌کارگیری درست آنها خواهیم پرداخت.

اقلیت‌های جنسی و جنسیتی

مشابه با واژه‌های «دگرباش»، «رنگین‌کمانی» و «جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+»، از عبارت «اقلیت‌های جنسی و جنسیتی» هم می‌توان برای خطاب قرار دادن جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ استفاده کرد. هر چند بر خلاف «دگرباش» و «رنگین‌کمانی»، این عبارت را نمی‌توان برای اشاره به یک فرد به کار برد و باید از آن برای توصیف کلیت جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ استفاده شود. همانند واژه «دگرباش» و «رنگین‌کمانی»، برخی از فعالان ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به این عبارت نقدهایی وارد کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که استفاده از «اقلیت» تایید می‌کند که دگرجنسگرایی همچنان هنجار غالب است و افرادی که گرایش جنسی یا هویت جنسیتی متفاوتی دارند، از نظر تعداد در اقلیت هستند. استفاده از این واژه می‌تواند این تصور را ایجاد کند که ترویج‌گری و حمایت از این گروه که تعدادشان کم است اولویت نیست. در عین حال، برخی دیگر از فعالان این نقد را رد می‌کنند و می‌گویند که «اقلیت» در اینجا به معنای کمیت نیست، بلکه به تبعیض‌ها و محرومیت‌هایی اشاره دارد که این افراد تجربه می‌کنند و نه از نظر تعداد که از نظر دسترسی به حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی «اقلیت‌سازی» شده‌اند. به بیان دیگر آنها معتقدند که گرایش جنسی و هویت جنسیتی افراد این جامعه سبب می‌شود تا آنها با انواع تبعیض‌های اجتماعی، حقوقی، و حتی خانوادگی مواجه شوند و چالش‌هایی نظیر محرومیت از حقوق انسانی، خشونت، طرد اجتماعی و تبعیض شغلی را تجربه کنند.

«دگرباش» معادل فارسی واژه «کوییر» است و به عنوان چترواژه‌ای برای اشاره به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ هم استفاده می‌شود. این واژه چندسال قبل توسط برخی از فعالان ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ ایرانی که به دنبال واژه‌ای مناسب برای جایگزینی با عبارت چتری انگلیسی ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ بودند، ابداع شد. اگرچه استفاده از این واژه در میان جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ فارسی زبان، رسانه‌ها، جامعه مدنی و سازمان‌ها رواج دارد و به طور گسترده‌ای در مکالمات و نوشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما انتقاداتی هم به آن از سوی برخی از فعالان جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ وارد شده است. منتقدین بر این باورند که واژه دگرباش، به نوعی با معیار مبدأ، هنجار و محور قرار دادن همسوجنسیتی و دگرنسگرایی و هر چیزی غیر از آن را به عنوان «دگری» یا «غیرهنجار» تلقی می‌کند. این فعالین معتقدند که چنین واژه‌ای ضمن بازتولید ساختارهای نابرابری و تبعیض، گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی دیگر را در قالب «دیگری» تعریف می‌کند و به جای شمول، موجب اقلیت‌سازی و راندن به حاشیه می‌شود و در نتیجه از استفاده از آن امتناع می‌کنند. با این حال، برخی دیگر از فعالان بر این باورند که این انتقاد نوعی ساده‌سازی بیش از حد به این واژه است، چرا که واژه «دگرباش» تعریف گسترده‌تری دارد و صرفاً به معنای «غیرهنجار» یا «دیگری» بودن محدود نمی‌شود. این گروه معتقدند که استفاده از این واژه می‌تواند ابزاری برای به رسمیت شناختن تنوع و ایجاد فضای همه شمول‌تر باشد و همچنین این واژه تأکید بر ساختن جامعه‌ای «دیگر» با هنجارهای جدید که پذیرای زیست افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ باشد، کمک کند.

رنگین‌کمانی

«رنگین‌کمانی» به عنوان یک چترواژه عمل می‌کند و تمام افرادی را که با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی متنوع غیر همسوجنسیتی و غیردگرنسگرا شناخته می‌شوند و گاهی متحدان آنها را در برمی‌گیرد. این عبارت در زبان فارسی به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و به‌طور مشابه با واژه‌هایی چون «دگرباش» یا «جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+» به کار می‌رود. با این که این واژه در زبان‌ها و جوامع دیگر هم با همین مفهوم استفاده می‌شود، منتقدین معتقدند که «رنگین‌کمانی» به اندازه کافی روشن نیست و واقعیت تنوع جنسی و جنسیتی زیر این چتر گم می‌شود.

مفاهیم کلیدی در درک تنوع جنسیتی و گرایش جنسی

در این فصل، به بررسی مفاهیم پایه‌ای می‌پردازیم که به درک بهتر ما از هویت‌های جنسی، جنسیتی و گرایش‌های جنسی کمک می‌کنند. اصطلاحاتی مانند دگرجنس‌گرا، دگرجنس‌گراهنجار و غیردگرجنس‌گراهنجار به ما کمک می‌کنند تا هنجارهای غالب در جامعه را بشناسیم و درک کنیم که چگونه این هنجارها می‌توانند بر رفتارها و روابط انسانی تأثیر بگذارند. همچنین، مفاهیمی چون آشکارسازی، هویت متقاطع و بیان جنسیتی ناسازگار با هنجارهای رایج، چالش‌ها و تجربیات افراد را در جوامعی با هنجارهای محدودتر روشن می‌سازد. این فصل در تلاش است تا با معرفی این مفاهیم، فضایی برای تفکر درباره تفاوت‌ها و پذیرش تنوع فراهم آورد.

آشکارسازی (Coming Out)

«آشکارسازی» به معنای آشکار کردن خودخواسته گرایش جنسی و هویت جنسیتی برای دیگران است. آشکارسازی، خصوصاً آشکارسازی برای اعضای خانواده و دوستان معمولاً به عنوان یک نقطه عطف در زندگی یک فرد رنگین‌کمانی در نظر گرفته می‌شود، چرا که او در این برهه از زمان، نه تنها هویت جنسی و یا جنسیتی خود را کشف کرده و پذیرفته است، بلکه تمایل دارد تا دیگران نیز از آن آگاه شده و با او مطابق با هویت مطلوب او رفتار کنند.

یک آشکارسازی موفقیت‌آمیز می‌تواند حمایت‌های عاطفی و مزیت‌های اجتماعی فراوانی را با خود به همراه داشته باشد، به فرد رنگین‌کمانی اعتماد به نفس بیشتری ببخشد، فشار روانی مخفی کردن این موضوع را از روی دوش بردارد و او را قادر سازد تا حامیانی را در بین دوستان، آشنایان و همکاران برای خود پیدا کند. با این حال، آشکارسازی همیشه آسان نیست؛ برملا کردن این لایه زندگی خصوصی و هویت در جوامع سنتی و هترونرماتیو همچون افغانستان که ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ بودن همچنان یک تابو و جرم محسوب می‌شود، می‌تواند عواقب سنگینی برای فرد داشته باشد. از همین رو، فرد باید فاکتورهای گوناگونی را پیش از آشکار کردن علنی گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود در نظر بگیرد.

اگر یکی از دوستان، همکاران یا بستگان نزد شما آشکارسازی کرده است، بدین معنا نیست که شما می‌توانید این موضوع را علناً و هر کجا اعلام کنید. آشکار کردن گرایش جنسی و هویت جنسیتی فرد بدون رضایت او علاوه بر اینکه امری بسیار ناپسند است، می‌تواند عواقب سنگینی برای او به همراه داشته باشد. بنابراین اکیداً توصیه می‌شود تا زمانیکه از رضایت فرد رنگین‌کمانی اطلاعی ندارید، نزد دیگران راجع به این موضوع صحبت نکنید.

اشتباه خطاب کردن جنسیت (Misgender)

میس‌جندر به معنای اشتباه خطاب کردن جنسیت فرد است، یعنی استفاده از ضمیرها، نام‌ها یا واژه‌هایی که با هویت جنسیتی شخص مطابقت ندارند. این عمل می‌تواند عمدی یا غیرعمدی رخ دهد. اشتباه عمدی در خطاب کردن افراد، معمولاً با هدف بی‌احترامی یا توهین به فرد و زیر سوال بردن جنسیت فرد است. اما گاهی هم ممکن است سهواً اتفاق بیفتد، به‌ویژه زمانی که اطلاعات کافی درباره هویت جنسیتی یا ضمیر شخص وجود ندارد. اشتباه خطاب کردن جنسیت می‌تواند تأثیرات منفی جدی بر روان و احساس ارزشمندی فرد، به‌ویژه افراد ترنس و نان باینری داشته باشد چرا که هویت او نادیده گرفته می‌شود. برای جلوگیری از این خطا، بهتر است با احترام و حساسیت، از ضمیر یا نام دلخواه افراد مطلع شویم. به عنوان مثال، می‌توانید محترمانه بپرسید: «از چه ضمیرهایی استفاده می‌کنید؟».

اصلاح درمانی (Conversion Therapy)

«اصلاح درمانی» به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که با هدف تغییر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی افراد و تبدیل آن به آنچه گرایش جنسی «هنجار»، «مجاز» یا «طبیعی» می‌دانند، یعنی دگرجنسگرایی صورت می‌گیرد. «اصلاح درمانی» در برخی کشورها از جمله در آلمان و مالت به طور کامل جرم‌انگاری شده و انجام آن تبعات قانونی سنگینی دارد، اما همچنان در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در افغانستان و ایران توسط برخی از روانپزشکان و روانشناسان یا روحانیون مذهبی صورت می‌گیرد. این اقدامات شامل دادن شرم و عذاب وجدان یا احساس گناه و اجبار به انجام فرایض مذهبی به فرد یا پزشکینه کردن این «درمان» با دادن شوک الکتریکی، اجبار به تماشای محتوای جنسی دگرجنس‌گراهنجار، بستری شدن در بیمارستان اعصاب و روان و تجویز داروهای اعصاب و روان است. «اصلاح درمانی» نه تنها هیچ‌گونه تأثیری بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی افراد ندارد، بلکه لطمات روحی و روانی و گاهی جسمی جبران‌ناپذیری بر افراد می‌گذارد که می‌تواند تا سال‌ها همراه آن‌ها باشد. به همین خاطر است که بسیاری از سازمان‌های بهداشتی و روان‌شناسی معتبر دنیا از جمله سازمان بهداشت جهانی (WHO) و انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) اصلاح درمانی را به دلیل نقض حقوق بشر افراد و سلامت روانی آنها محکوم کرده‌اند.

بیان جنسیتی ناسازگار با هنجارهای رایج جامعه (Gender Nonconformity)

این عبارت به وضعیتی اشاره دارد که در آن فرد از هنجارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی مرتبط با جنسیت نسبت داده شده به خود در بدو تولد («پیروی نمی‌کند»). در جوامع دگرجنسگراهنجار، انتظار می‌رود کسانی که با جسم منتسب به مردانه متولد شده اند «رفتارهای مردانه» و کسانی که با جسم منتسب به زنانه متولد شده‌اند «رفتارهای زنانه» از خود نشان دهند یعنی بیان جنسیتی آنها صرفاً در دوگانه جنسیتی مردانه و زنانه بگنجد؛ مثلاً در جامعه ای که آرایش کردن را عملی مختص افراد با جسم منتسب به زنانه می‌دانند، فردی با جسم منتسب به مردانه، نباید آرایش کند، عواطف و احساساتی را که زنانه قلمداد می‌شود نشان دهد، مثلاً «یک مرد نباید گریه کند». در این جامعه از یک فرد با جسم منتسب به زنانه انتظار می‌رود که آرایش، مدل مو، شغل و لباس‌های او همگی همسو با ویژگی‌های تعیین شده توسط جامعه برای زنان باشد. با این حال برخی افراد، که خود و بیان جنسیتی خود را ناسازگار با هنجارهای رایج جنسیتی می‌دانند، از قرار گرفتن در این دوگانه اجتناب می‌کنند و بیان جنسیتی خارج از چارچوب سنتی مردانه و زنانه داشته دارند، یا بیان جنسیتی آنها می‌تواند ترکیبی از هر دو باشد و یا اینکه بیان جنسیتی منحصر به فرد و مخصوص به خود را دارند.

نکته مهم اینجاست که این موضوع همیشه و برای همه افراد صادق نیست؛ یک فرد همسوجنسیتی (سیس‌جندر) ممکن است رفتار، پوشش و به طور کلی بیان جنسیتی غیرسازگار با جنسیت خود و به طور کل هنجارهای رایج جامعه داشته باشد. و به همین شکل، یک فرد ترنس می‌تواند رفتار، پوشش و به طور کلی بیان جنسیتی کاملاً منطبق با هنجارهای جنسیتی جامعه نشان دهد، مثلاً یک زن ترنس که «رفتارهای زنانه» بروز می‌دهد و از هنجارهایی پیروی می‌کنند که از زنان در آن جامعه انتظار می‌رود.

با این حال، در جوامع سنتی، داشتن بیان جنسیتی غیرسازگار با هنجارهای جامعه همیشه بی‌هزینه یا کم‌هزینه نیست. برخی از افراد ترنس، گاه تحت فشارهای جامعه، ناچار به هورمون تراپی و انجام عمل‌های بازتأیید جنسیت می‌شوند تا ظاهر و بدن خود را مطابق با آن چیزی کنند که جامعه از یک جنسیت خاص انتظار دارد. با این حال، لازم به ذکر است که همه افراد ترنس چنین تصمیماتی نمی‌گیرند یا نیاز به ایجاد این تغییرات در بیان جنسیتی و یا بدن خود را حس نمی‌کنند. آنها بدون جراحی یا هورمون‌تراپی هویت جنسیتی خود را به رسمیت می‌شناسند. انتخاب ایجاد تغییرات پزشکی در بدن، به خود فرد ترنس و تجربیات خاص او بستگی دارد. هر فرد ترنسی آزاد است و حق دارد بر اساس نیازها، تمایلات و منابع خود در این مورد تصمیم‌گیری کند. با این همه، فشارهای اجتماعی می‌تواند نقشی منفی در این فرآیند داشته باشد. در بسیاری از جوامع همچون افغانستان و یا ایران، پذیرش هویت جنسیتی افراد ترنس اغلب مشروط به ظاهر فیزیکی «مطابق» با هنجارهای جنسیتی رایج در جامعه است. این فشارها می‌توانند به افراد ترنس حس اجبار برای ورود به مسیرهای پزشکی بدهد که ممکن است خودشان تمایل یا نیازی به آن نداشته باشند. علاوه بر این، برخی افراد ترنس ممکن است به دلایل مختلف مانند هزینه‌های بالا، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی یا تردید درباره کیفیت نتایج، یا ترس از عوارض جانبی، نتوانند به تغییرات جسمی و پزشکی دست بزنند، اما همچنان در هویت جنسیتی خود احساس اعتماد به نفس و رضایت داشته باشند. مهم است که هویت و

بیان جنسیتی همه افراد را، مستقل از تصمیمات آنها برای انجام تغییرات جسمی، به رسمیت بشناسیم و به تنوع احترام بگذاریم.

متأسفانه در افغانستان امروز، زیر سایه سنگین طالبان، پیروی نکردن از هنجارهای و انتظارت فرهنگی-اجتماعی رایج می‌تواند عواقب سنگینی برای ناقضین آن به دنبال داشته باشد. بیان جنسیتی خارج از چارچوب‌های سنتی و مذهبی می‌تواند به مجازات‌های شدید منجر شود چرا که طالبان بر طبق قانون «امر به معروف و نهی از منکر»، نظارت سخت‌گیرانه‌ای را در زمینه پوشش و رفتار افراد، به‌ویژه بر زنان و جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+، اعمال می‌کند. به عنوان مثال، بنا به شهادت و مستندات رسیده به سازمان «الو: افغان ال‌جی‌بی‌تی»، افراد ترنس بسیاری صرفاً به دلیل بیان جنسیتی نامنتطب خود با هنجارهای جاری در افغانستان، توسط مأموران طالبان بازداشت شده و مورد آزار و اذیت جسمی و جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین، از آن‌ها تعهد گرفته شده است که مطابق با اصول اخلاقی تعیین‌شده توسط این گروه رفتار کنند.

تجاوز اصلاحی (Corrective Rape)

تجاوز اصلاحی به نوعی خشونت جنسی گفته می‌شود که با هدف تغییر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی فرد قربانی صورت می‌گیرد. باور نادرست پشت این عمل این است که تجاوز جنسی می‌تواند تمایلات جنسی یا هویت جنسیتی قربانی را «اصلاح» کند و او را به گرایش یا هویتی که با هنجارهای اجتماعی یا فرهنگی جامعه همخوانی دارد، بازگرداند. این نوع از تجاوز به‌ویژه در جوامعی رخ می‌دهد که همجنسگرایی و یا به شکل کلی‌تر تعلق به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ تابو محسوب می‌شود. در این جوامع، تنوع هویت‌های جنسی و جنسیتی غیرهنجاری به عنوان بیماری، انحراف یا حتی تهدیدی برای ساختار اجتماعی و اخلاقی جامعه تلقی می‌شود. تجاوز اصلاحی در برخی کشورها، به‌ویژه در آفریقای جنوبی، به‌عنوان یک مشکل جدی شناخته شده است. در این کشور، زنان لزبین و دوجنسگرا به‌طور خاص در معرض این نوع خشونت قرار دارند، اما این پدیده محدود به این کشور نیست و گزارش‌هایی از وقوع تجاوز اصلاحی در کشورهای دیگر، از جمله در افغانستان وجود دارد. متأسفانه قربانیان تجاوز اصلاحی با پیامدهای جسمی و روانی شدید و طولانی‌مدت روبرو می‌شوند. این شامل آسیب‌های جسمی ناشی از تجاوز، ترومای روانی، افسردگی، اضطراب، اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) و در مواردی خودکشی است. همچنین، قربانیان ممکن است با بارداری‌های ناخواسته و عفونت‌های مقاربتی از جمله AIDS/HIV روبرو شوند. تجاوز اصلاحی اغلب به دلیل ناآگاهی، تعصبات مذهبی یا فرهنگی و ناتوانی در پذیرش تنوع جنسی و جنسیتی در جامعه رخ می‌دهد.

ترنس‌هراسی (Transphobia) و منفی‌نگری به افراد ترنس (Transnegativity)

مشابه با دو تعریف قبل، ترنس‌هراسی یا ترنس‌فوبیا به ترس، نفرت یا باورهای کلیشه‌ای و نادرست اشاره دارد که منجر به واکنش‌ها و رفتارهای نامعقول و تبعیض‌آمیز علیه افراد

ترنس می‌شود. ترنس‌فوبیا در جامعه خود را در محیط‌های مختلف به اشکال متفاوتی نشان می‌دهد. به عنوان مثال، ایجاد ممنوعیت برای افراد ترنس در استفاده از توالت‌های متناسب با هویت جنسیتی‌شان نوعی از ترنس‌هراسی است. همچنین، در زمان نیاز به دریافت خدمات پزشکی اگر کادر درمانی از ارائه خدمات پزشکی به فرد خودداری کند و یا در محیط کار و تحصیل افراد ترنس را نه با نامی که خود انتخاب کرده‌اند که با نام مُرده خود (Deadnaming) یا با ضمیر نادرست مورد خطاب قرار می‌گیرد، نوعی خشونت علیه افراد ترنس است که حاصل ترنس‌هراسی عمومی در جامعه است. این قبیل اقدامات که معمولاً از سمت افراد «ترنس‌فوبیک» صورت می‌گیرد، می‌تواند افراد ترنس را از جامعه طرد و آنها را به انزوا بکشانند، همچنین تأثیرات منفی بلند مدتی بر سلامت روحی و جسمی افراد بگذارد.

برخی واژه ترنس‌فوبیا یا ترنس‌هراسی را به کار نمی‌برند و از عبارت منفی‌نگری به افراد ترنس (transnegativity) استفاده می‌کند چرا که این تبعیض‌ها را نه ناشی از هراس که ناشی از نگاه و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به آنها می‌دانند.

چند مهری (Polyamory)

«چندمهری»، «غیرتک‌شریکی» یا «پلی‌آموری» وارد شدن به چندین رابطه عاطفی و یا جنسی با چندین نفر بطور همزمان و با رضایت همه افراد است. این نوع رابطه با «ازدواج رسمی چندنفره» یا همان «پلی‌گامی» متفاوت است و بیشتر جنبه‌ای غیررسمی و شخصی دارد و به همین دلیل در کشورهایی که قوانین دینی ندارند، جرم‌انگاری نشده و گاهی حقوق این افراد هم به رسمیت شناخته می‌شود. در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، پلی‌آموری جرم‌انگاری نشده و در جوامعی هم پذیرفته شده است. با این حال، در افغانستان که روابط خارج از ازدواج، اعم از تک‌مهری و چندمهری جرم‌انگاری شده است، داشتن چنین رابطه‌ای به ویژه اگر بین افراد با جنسیتی مشابه باشد می‌تواند با مجازات‌های سنگینی همراه باشد. در یک رابطه چندمهری رضایت متقابل و اعتماد نقش مهمی ایفا می‌کنند. داشتن گرایش جنسی و هویت جنسیتی خاص پیش شرط چند مهری بودن نیست و افراد با هر گرایش جنسی و هویت جنسیتی می‌توانند پلی‌آموری بودن را تجربه کنند.

دگرجنسگرا (Hetrosexual)

افراد دگرجنسگرا کسانی هستند که کشش جنسی، عاطفی و عاشقانه به جنس غیرمشابه خود دارند. از آنجا که دگرجنسگرایان بیشتر از دیگر گروه‌های جنسی و جنسیتی در طول تاریخ امکان ظهور و بروز داشته‌اند، مانند دیگر گروه‌های جنسی و جنسیتی مثلاً همجنسگرایان متحمل سرکوب و تبعیض نشده‌اند. در بسیاری از جوامع همچون افغانستان، این نوع گرایش جنسی به عنوان «هنجار» در نظر گرفته شده و به عنوان شکل «طبیعی» روابط انسانی شناخته می‌شود. این برتری فرهنگی و اجتماعی که به غلط دگرجنسگرایی را به عنوان طبیعی‌ترین یا صحیح‌ترین شکل روابط در نظر می‌گیرد، زمینه‌ساز ایجاد نابرابری

و تبعیض‌های قانونی، فرهنگی و اجتماعی علیه جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ می‌شود که در چارچوب این هنجار قرار نمی‌گیرند.

دگرجنسگرا هنجار (Heteronormative)

در یک جامعه یا فرهنگ «دگرجنسگرا هنجار» یا «هترو نورماتیو»، فرض بر این است که افراد به طور طبیعی باید دگرجنسگرا باشند و جنسیت آنها مطابق با جنسیتی که در بدو تولد به آنها نسبت داده شده است باشد. در چنین جامعه و فرهنگی، جنسیت تنها در قالب دوگانه زن و مرد و نسبت داده شده در بدو تولد به رسمیت شناخته می‌شود. علاوه بر این تنها روابط بین جنسیت‌های غیرمشابه، یعنی مرد و زن (مرد و زن همسوجنسیتی و نه مرد و زن ترنس)، به عنوان هنجار پذیرفته می‌شود و هر گرایشی که خارج از این چارچوب قرار گیرد، غیرطبیعی تلقی می‌شود. این جامعه، دگرجنسگرایی را به عنوان طبیعی‌ترین یا صحیح‌ترین گرایش جنسی در نظر می‌گیرد و معمولاً هویت‌های جنسی و جنسیتی دیگر نظیر همجنسگرایان، دوجنسگرایان، افراد ترنس و یا افراد نان‌باینری و حقوقشان را نادیده می‌گیرد و حتی سرکوب می‌کند. این جریان فکری از طریق نهادهای مختلف مانند رسانه‌های صوتی و تصویری، مذهب، و سیاست در جامعه ترویج و تثبیت می‌شود. تفکر «هترو نورماتیو» نهادینه شده در جامعه می‌تواند تبعیض‌های گسترده‌ای علیه افرادی که خارج از این چارچوب و در تضاد با انتظارات اجتماعی آن هستند، ایجاد کند. به طور مثال، در افغانستان و ایران، که دگرجنسگرا هنجاری در سیستم قضایی و حقوقی ریشه عمیقی دارد، رابطه با جنسیت مشابه به‌عنوان انحراف از هنجارهای دگرجنسگرا تلقی می‌شود و با مجازات‌های خشونت‌آمیزی مانند سنگسار یا تخریب دیوار روی فرد در افغانستان و اعدام در ایران مواجه می‌شود.

دوجنسگراهراسی (Biphobia) و منفی‌نگری به دوجنسگرایی (Binegativity)

دوجنسگراهراسی به ترس نامعقول یا پیش‌داوری‌های نادرست نسبت به افراد دوجنسگرا اشاره دارد. دوجنسگرایان نه تنها از سمت جامعه دگرجنسگرا بلکه از سوی برخی از افراد همجنسگرا نیز ممکن است با تبعیض و طردشدگی مواجه شوند. این موضوع غالباً به این دلیل است که افراد دوجنسگرا از سوی هر یک از این گروه‌ها تحت فشارند تا صرفاً یک سمت دوگانه گرایش دگرجنس‌گرایی یا همجنسگرایی را انتخاب کنند در غیر این صورت به عنوان افرادی نامناسب برای رابطه بلند مدت یا «هوس‌باز» و «خیانتکار» تلقی می‌شوند. این توقع نادرست معمولاً از سمت افرادی شکل می‌گیرد که گرایش دوجنسگرایی به معنای کشش جنسی، عاطفی و یا زیبایی‌شناختی به بیش از یک جنسیت را به درستی درک نکرده‌اند و این گرایش را معتبر نمی‌دانند. برای نمونه، یکی از پیش‌فرض‌های نادرست درباره افراد دوجنسگرا این است که «چون شجاعت کافی برای آشکارسازی به عنوان همجنسگرا ندارند، خود را به عنوان دوجنسگرا به همگان معرفی می‌کنند.» یکی دیگر از پیش‌فرض‌های نادرست درباره افراد دوجنسگرا این است که آنها صرفاً برای رفع

نیاز جنسی با افراد با جنسیت مشابه خود وارد رابطه شده و در انتها فردی با جنسیت غیرمشابه را برای رابطه بلند مدت انتخاب می‌کنند. برخی واژه دوجنسگراهراسی را به کار نمی‌برند و از عبارت منفی‌نگری به دوجنسگرایی (binegativity) استفاده می‌کند چرا که این تبعیض‌ها را نه ناشی از هراس که ناشی از نگاه و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به آنها می‌دانند.

غیر دگرجنسگرا هنجار (Non-Heteronormative)

همانطور که در تعریف قبل به مفهوم دگرجنسگراهنجاری اشاره کردیم، این مفهوم نقش‌های سنتی مردانه و زنانه را به عنوان الگوی طبیعی و صحیح در یک جامعه در نظر می‌گیرد. در این جامعه هر گونه گرایش جنسی یا هویت جنسیتی که با این هنجارها همخوانی نداشته باشد، «غیردگرجنسگراهنجار» یا «غیرهترونورماتیو» محسوب می‌شود. رفتار، هویت یا الگوهای غیرهترونورماتیو شامل کسانی می‌شوند که گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، رفتار یا الگوهای متفاوتی از دگرجنسگرایی و جنسیت‌های دوگانه (فقط مرد یا زن) دارند و از هنجارهای جنسی و جنسیتی رایج در جامعه که مبتنی بر دگرجنسگرایی و نقش‌های جنسیتی سنتی هستند، پیروی نمی‌کنند. این افراد می‌توانند همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنسجندر، کوئیر یا افراد با هویت جنسی غیردوگانه (نان باینری) باشند یا حتی افرادی همسوجنسیتی و یا دگرجنسگرایی که این هنجارها را به چالش می‌کشند.

کینک (Kink)

کینک به مجموعه فانتزی‌ها و رفتارهای جنسی گفته می‌شود که فرد تمایل دارد با شریک یا شرکای جنسی و عاطفی خود انجام دهد. داشتن کینک‌های جنسی صرفاً منحصر به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ نیست و ارتباطی با گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خاصی ندارد، از این رو هر فردی می‌تواند علایق خاص یا فانتزی‌های جنسی داشته باشند یا نداشته باشند. برخی از رایج‌ترین کینک‌های جنسی شامل BDSM، ایفای نقش (Role-playing)، پوشیدن کاستوم یا لباس‌های خاص مانند ماسک‌های حیوانات و غیره است. نکته مهم در زمینه کینک‌های جنسی «رضایت» شریک یا شرکای جنسی و عاطفی برای اطمینان از آسایش و مرزهای فرد یا افراد شریک است.

مشاهده‌پذیری جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ (LGBTQ+ Visibility)

«مشاهده‌پذیری جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+» به معنای آشکار بودن و دیده شدن این جامعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای است و نشان‌دهنده‌ی وجود و حضور این افراد در جامعه، زندگی روزمره و تجربیات زیسته آنها است. همچون سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده، مشاهده‌پذیری نقش مهمی در زندگی یک فرد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ ایفا می‌کند، چرا که به افراد خارج از جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ کمک می‌کند تا با مشکلات، دغدغه‌ها، واقعیت‌ها و چالش‌هایی که افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ تجربه می‌کنند آشنا شوند و دیدگاه‌های منفی‌شان نسبت به این افراد تغییر کند. به طور کلی، افزایش مشاهده‌پذیری می‌تواند تصویر مثبت و واقعی‌تری از اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ ایجاد کند و تصورات غلط، تبعیض‌ها و ستیزه‌جویی‌ها علیه اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ را تغییر دهد و کلیشه‌های رایج را به چالش بکشد؛ از این‌رو، مشاهده‌پذیری می‌تواند به تغییر نگرش و افزایش حمایت‌ها در بین عموم مردم کمک کند. علاوه بر این، مشاهده‌پذیری می‌تواند به اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ یادآوری کند که تنها نیستند و دارای شبکه‌ای از حمایت‌ها هستند که به کاهش احساس تنهایی و انزوا کمک می‌کند و بر سلامت روانی آنها تأثیر مثبت می‌گذارد. همچنین، زمانی که افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در جامعه به رسمیت شناخته می‌شوند، احساس هویت و تعلق بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توانند به راحتی خود را ابراز کنند و در جامعه فعال باشند. در نهایت، مشاهده‌پذیری می‌تواند نوعی الگو برای نسل‌های جوان‌تر باشد. وقتی که نوجوانان و جوانان ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ مدل‌های موفق و قابل شناسایی در معرض دید داشته باشند، آگاهی و انگیزه بیشتری برای پذیرش هویت خود و تلاش برای زندگی بهتر پیدا می‌کنند. این مشاهده‌پذیری می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای همه‌شمول و پذیرا منجر شود و به تقویت برابری، عدالت اجتماعی و تضمین حقوق بشر کمک کند. به همین دلیل، حمایت از مشاهده‌پذیری جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ برای تحقق برابری و عدالت امری ضروری است.

نامیدن با نام مُرده (Deadnaming)

خطاب کردن فرد ترنس با نام قبلی او و نه نام انتخابی‌اش، به خصوص وقتی که با هویت جنسیتی فعلی‌اش همخوانی ندارد و خود را دیگر با آن نام معرفی نمی‌کند، نام مُرده یا Deadnaming نام دارد. نام قبلی معمولاً با هویت جنسیتی پیشین فرد ترنس مرتبط است که در بدو تولد به او نسبت داده شده است و در بسیاری از موارد، استفاده از آن باعث ناراحتی یا آزرده‌گی فرد می‌شود، چون به گذشته‌ای اشاره دارد که او دیگر با آن ارتباطی ندارد یا ممکن است خاطرات و تجربیات ناخوشایندی را برای او تداعی کند. تغییر نام و هویت جنسیتی مثل یک تولد دوباره است و به همین دلیل از نام سابق به عنوان نام مرده یاد می‌شود. لذا ضروری است تا همواره «نام» و «ضمیر» افراد را از آنها سوال کنیم تا موجب آزار و اذیت روانی حتی خشونت فیزیکی علیه آنها به دلیل آشکارسازی ناخواسته نشویم.

همجنسگراهراسی (Homophobia) و منفی‌نگری به همجنسگرایی (Homonegativity)

همجنسگراهراسی به ترس نامعقول، نگرانی یا احساسات منفی و پیش‌داوری‌های ناخودآگاه نسبت به افراد همجنسگرا اطلاق می‌شود. این نگرش‌ها ممکن است به دلایل فرهنگی، مذهبی، اجتماعی یا تربیتی شکل گرفته باشند و لزوماً به معنای رفتار خصمانه یا خشونت‌آمیز نیستند. همجنسگراهراسی می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز کند، مانند شوخی‌های تحقیرآمیز، نپذیرفتن افراد همجنسگرا در خانواده، اجتناب از تعامل با افراد همجنسگرا یا نپذیرفتن حقوق این افراد در محیط کار و تحصیل، و یا اعمال فشار برای تغییر گرایش جنسی که همگی این موارد می‌توانند تأثیرات منفی عمیقی بر زندگی و سلامت روانی افراد همجنسگرا بگذارند و به تبعیض و نابرابری در جامعه دامن بزنند. برخی واژه همجنسگراهراسی را به کار نمی‌برند و از عبارت منفی‌نگری به همجنسگرایی (homonegativity) استفاده می‌کنند چرا که این تبعیض‌ها را نه ناشی از هراس که ناشی از نگاه و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به آنها می‌دانند.

هویت متقاطع (Intersectional Identity)

«هویت متقاطع» ایده‌ای است که می‌گوید هر فرد دارای چندین هویت اجتماعی است که با هم تداخل دارند و تجربیات او را به شکل منحصربه‌فردی شکل می‌دهند. به عنوان مثال، ممکن است فردی نه تنها بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود تعریف شود، بلکه ترکیبی از عواملی مانند نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی، دین و وضعیت معلولیت نیز بر او تأثیر بگذارد. این مفهوم به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که تجربیات افراد از نظر «امتياز» و «تبعیض»، پیچیده و چندلایه هستند.

برای درک بهتر موضوع با مثالی از وضعیت جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ افغانستان ادامه می‌دهیم. یک زن ترنس ساکن در یکی از ولایات محروم مرزی افغانستان را تصور کنید. او ممکن است با چالش‌ها و تبعیض‌هایی روبه‌رو شود که به‌طور قابل توجهی با تجربیات یک زن ترنس ساکن در پایتخت افغانستان متفاوت است؛ تجربیات هر دوی این زنان ترنس تحت تأثیر هم‌زمان چندین عامل مانند هویت جنسیتی او (به عنوان یک زن ترنس)، جغرافیا (ساکن منطقه‌ای دورافتاده و محروم)، و شرایط اجتماعی-اقتصادی (زندگی در پایتخت و ولایات محروم و بدون دسترسی به منابع و حمایت‌های لازم)، اتنیک و زبان و... قرار دارد. در مناطق دور افتاده، افراد جامعه رنگین‌کمانی، نه تنها با تبعیض‌های مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود مواجه هستند، بلکه دسترسی محدود به خدمات اولیه مانند آموزش، بهداشت و همچنین فشارهای فرهنگی و سنتی شدیدتر است. در جغرافیای افغانستان و برای یک زن ترنس، این احتمال وجود دارد که علاوه بر تبعیض گسترده‌ای که به دلیل هویت جنسیتی خود با آن مواجه می‌شود، از حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی نیز محروم باشد، چرا که بسیاری از خانواده‌ها و جوامع محلی در جامعه مردسالار افغانستان، به دلایل فرهنگی و مذهبی، افراد ترنس را نمی‌پذیرند. در مقابل، یک زن ترنس ساکن در کابل، ممکن است با وجود تبعیض‌های متنوع، به دلیل زندگی در پایتخت، دسترسی بیشتری به سازمان‌ها، منابع و حمایت‌های اجتماعی داشته باشد که این امر به او کمک می‌کند تا از چالش‌ها بهتر عبور کند.

همانطور که در مثال افغانستان اشاره شد، تبعیض‌ها و نابرابری‌ها می‌توانند چندبعدی باشند و نمی‌توان به آن‌ها تنها از یک زاویه نگاه کرد. هر فرد «مجموعه‌ای از هویت‌ها» را دارد که در تعامل با یکدیگر تجربیات او را شکل می‌دهند. از این رو، افراد ممکن است بر اساس ترکیبی از گرایش جنسی و هویت جنسیتی، وضعیت اقتصادی، توانایی‌های جسمی و ذهنی، قومیت، دین و یا دیگر عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تبعیض‌هایی مواجه شوند که سایرین تجربه نمی‌کنند یا به گونه دیگری تجربه می‌کنند. همچنین، امتیازها نیز می‌توانند بر اساس جنبه‌های مختلف هویت فرد و مراحل زندگی تغییر کنند. درک مفهوم «هویت متقاطع» بسیار مهم است چرا که به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم افراد تنها دارای یک هویت نیستند؛ این نگاه چندبعدی به هویت، به ما امکان می‌دهد تا رویکردهای جامع‌تر و عادلانه‌تری برای مقابله با نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در جوامع مختلف، خصوصاً در رابطه با افغانستان داشته باشیم و از حمایت همه‌جانبه‌تری برای افرادی که در حاشیه قرار گرفته‌اند، اطمینان حاصل کنیم.

جایگزین‌های مناسب برای واژگان قدیمی چیست؟

در این بخش، به معرفی اصطلاحات نادرست و دلایل منسوخ شدن آن‌ها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که مخاطبان این کتابچه، به ویژه افرادی که پیش‌تر با این واژگان و اصطلاحات آشنایی نداشته‌اند، بتوانند به درکی صحیح از این کلمات، نحوه استفاده از آن‌ها در جامعه و جایگزین‌های مناسب و تأییدشده‌شان دست یابند. برای این منظور، مجموعه‌ای از مثال‌ها را گردآوری کرده‌ایم. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، جایگزین‌های پیشنهادی ممکن است با گذر زمان به گزینه‌هایی نامطلوب تبدیل شوند. با این حال، آنچه در زمان نگارش این کتابچه ارائه شده، دقیق‌ترین و رایج‌ترین جایگزین‌ها در زمان خود است.

ازدواج زوج‌های همجنسگرا

استفاده از عبارت «ازدواج زوج‌های همجنسگرا» که گاهی در تیتراژها یا در گفت‌وگوهای روزمره و به خصوص درباره قانونی شدن ازدواج برای همه، دیده و شنیده می‌شود، اگرچه به خودی خود نادرست و نامحتمل نیست اما ریشه در باوری نادرست دارد. این باور نادرست از آنجا نشأت می‌گیرد که بسیاری گمان می‌کنند، هر رابطه یا ازدواجی میان دو فرد با جنسیت مشابه الزاماً به معنای همجنسگرا بودن هر دو فرد است؛ در حالی که افراد «دوجنسگرا» و «همه‌جنسگرا» و... نیز می‌توانند در رابطه‌ای با افراد با جنسیت مشابه خود باشند و با هم ازدواج کنند. در واقع ایراد استفاده از عبارت «زوج‌های همجنسگرا»، نادیده انگاری و حذف همه افراد غیرهمجنسگرا است. این نادیده‌انگاری می‌تواند تأثیرات منفی بسیاری بر این گروه افراد داشته باشد و نادیده‌انگاری دوجنسگرایان و همه‌جنسگرایان را عادی سازی کند. از این رو، عبارت‌های «ازدواج برابر» و یا «ازدواج برای همه»، چنان که در قوانین کشورهای بسیاری که این قانون و حقوق را برای همگی به رسمیت می‌شناسند آمده است، مناسب‌تر است. این دو واژه نه تنها، بهتر و همه شمول‌تر هستند که به سیالیت جنسیت و گرایش‌های جنسی هم احترام می‌گذارد. بنابراین توصیه می‌شود که از این عبارت جایگزین استفاده شود.

واژه «ایزک» یکی از اصطلاحات توهین‌آمیز بسیار رایج در افغانستان است که علیه افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به کار می‌رود. این کلمه دارای بار تحقیرآمیز شدیدی است و در مکالمات روزمره به عنوان یک واژه برای تمسخر یا تحقیر افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی غیرهترنورماتیو یا غیردگرجنس‌گراهنجار استفاده می‌شود. ریشه دقیق واژه «ایزک» مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد این کلمه در فرهنگ افغانستان، افراد با جسم منتسب به مردانه را که از نظر رفتاری با معیارهای سنتی «مردانگی» سازگار نیستند، یا نقش‌های سنتی جنسیتی را دنبال نمی‌کنند، هدف قرار می‌دهد. این واژه اغلب برای اشاره به «ضعف»، «ناتوانی» و «زنانه بودن ظاهر یا رفتار» این مردان به کار می‌رود، به ویژه از این نظر که این افراد رفتارهایی دارند که از دید عموم جامعه افغانستان که درگیر قالب‌های دوگانه زن و مرد است، زنانه تلقی می‌شود. در واقع، این کلمه به عنوان «نمادی» از هرگونه گرایش جنسی، رفتار، بیان یا هویت جنسیتی که با هنجارهای مرسوم جنسی و جنسیتی تطابق نداشته باشد، دیده می‌شود. با این حال، به نظر می‌آید که واژه «ایزک» روندی مشابه با واژه «کوییر» را طی کرده است. پیش‌تر به این موضوع اشاره کردیم که کوییر در ابتدا واژه‌ای توهین‌آمیز به معنای «عجیب و غریب» بود که توسط جامعه برای خطاب قرار دادن و تحقیر افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+، در کشور آمریکا استفاده می‌شد. اما با گذشت زمان فعالان و اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ تصمیم به خنثی سازی بار منفی این واژه گرفتند؛ آنها به جای مبارزه با تک تک اعضای جامعه، شروع به استفاده عامدانه از واژه کوییر برای خطاب قرار دادن خود کردند. به تدریج و با گذشت زمان این واژه بار منفی خود را از دست داد و به واژه‌ای محترمانه و مورد قبول اکثریت جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ تبدیل شد.

از آنجا که در سال‌های اخیر واژه «ایزک» وارد گفتمان جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ شده و به صورت محدود توسط برخی از اعضای این جامعه برای خطاب قرار دادن یکدیگر استفاده می‌شود، به نظر می‌رسد که در آینده نه چندان دور این واژه سرنوشتی مشابه با سرنوشت واژه کوییر داشته باشد. با این همه، این نکته مهم را نباید فراموش کرد که این واژه همچنان در بین اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ افغانستان و در نگاه اکثریت جامعه، واژه‌ای توهین‌آمیز تلقی می‌شود. از این رو بهتر است از رضایت شخصی افراد برای خطاب قرار گرفتن با این واژه اطمینان حاصل کنید و سپس نسبت به استفاده از آن در مکالمات خود اقدام کنید. اگر در استفاده از این واژه مردد هستید، می‌توانید از جایگزین‌های مورد قبول اعضای این جامعه نظیر «رنگین‌کمانی»، «ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+»، «دگرباش»، و یا «کوییر» استفاده کنید.

ترجیح جنسی

واژه «ترجیح جنسی» به این دلیل توهین‌آمیز تلقی می‌شود که معنای انتخابی یا قابل تغییر بودن «گرایش جنسی» را القا می‌کند، در حالی که گرایش جنسی یک ویژگی ذاتی و غیرقابل تغییر است. استفاده از این واژه می‌تواند به نادیده گرفتن و کم‌اهمیت جلوه

دادن تجربیات و هویت‌های افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ منجر شود. به علاوه، از آنجا که برخی همچنان بر این باور هستند که گرایش جنسی افراد قابل تغییر است و با روش‌های «اصلاح درمانی» به دنبال تغییر گرایش افراد به دگرجنسگرا و تبدیل ایشان به آنچه «هنجار» می‌خوانند هستند، بنابراین استفاده از این واژه سرکوبگر بازتولید خشونت علیه افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ بوده و همراهی خواسته یا ناخواسته با اصلاح درمانگران است. به همین دلیل، اصطلاح «گرایش جنسی» (sexual orientation) که به طبیعی بودن این موضوع اشاره دارد، ترجیح داده می‌شود.

ترنسکشوال

واژه «ترنسکشوال» به تدریج به عنوان واژه‌ای منسوخ و گاه توهین‌آمیز شناخته شده است. این تغییر دیدگاه به دلایل مختلفی بازمی‌گردد. یکی از دلایل اصلی، پیشینه این واژه است که هویت ترنس را با «بیماری» یا «اختلال روانی» مرتبط می‌کرده است، مفهومی که امروزه رد شده و ثابت شده که هویت ترنس یک اختلال روانی نیست. علاوه بر این، این واژه بر جنبه‌های پزشکی مانند هورمون‌درمانی یا جراحی‌های تطبیق جنسیت تأکید دارد، امری که بسیاری از اعضای جامعه ترنس با آن مخالفت می‌کنند، به‌ویژه زمانی که این اقدامات به صورت اجباری یا تنها راه شناخت هویت ترنس قلمداد شوند. با این حال، برخی افراد ممکن است همچنان ترجیح دهند از این واژه برای معرفی خود استفاده کنند. افراد ترنسکشوال ممکن است تمایل به انجام یک یا چند مورد از اقدامات پزشکی برای همخوان‌سازی جسم با هویت جنسیتی خود داشته باشند یا از انجام این اقدامات خودداری کنند. بنابراین، احترام به انتخاب فردی هر شخص در استفاده از واژه‌ها اهمیت بالایی دارد، حتی اگر واژه‌ای به طور گسترده منسوخ یا توهین‌آمیز تلقی شود.

تن فروشی

واژه «تن‌فروشی» در کنار واژگانی چون «بیزنسی» یا «فاحشه» که در افغانستان به کار می‌رود توهین‌آمیز تلقی می‌شوند چون بر اساس تصورات منفی و قضاوت‌هایی درباره کار جنسی شکل گرفته‌اند. این واژگان به شکلی ضمنی بیان می‌کنند که فرد بدن خود را می‌فروشد، موضوعی که می‌تواند بر هویت و کرامت فرد تأثیر منفی بگذارد و او را صرفاً به کالایی قابل خرید و فروش تقلیل دهد. از طرف دیگر، این واژگان ممکن است این پیام را منتقل کنند که فرد به دلیل کارش فاقد ارزش انسانی یا شان اجتماعی است و بدنش در اختیار همه است و نیازی به رضایت نیست. به جای «تن‌فروش»، می‌توان از اصطلاح «کارگر جنسی» برای اشخاص مشغول به «کار جنسی» استفاده کرد. اصطلاح «کارگر جنسی» نگاه حرفه‌ای‌تر و بی‌طرفانه‌تری دارد و به جای تمرکز بر بدن فرد، بر کار و جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی این شغل تأکید می‌کند. این اصطلاح همچنین به احترام به حقوق و هویت کارگران جنسی کمک کرده و از ایجاد تبعیض و قضاوت‌های منفی جلوگیری می‌کند.

جراحی تغییر جنسیت

آنچه برخی با عبارت منسوخ‌شده «جراحی تغییر جنسیت» به آن اشاره می‌کنند، مجموعه‌ای از عمل‌های جراحی است که افراد ترنس در پروسه ترنزیشن یا گذار برای تطابق اندام‌های خود با هویت جنسیتی مورد تاییدشان انجام می‌دهند. از آنجا که جنسیت یک مفهوم انتزاعی است و به درک و برداشت درونی افراد از جنسیتشان بازمی‌گردد، نمی‌توان با انجام عمل‌های جراحی آن را تغییر داد. بنابراین، در زمان صحبت درباره این موضوع، استفاده از عبارت‌های صحیحی مانند عمل‌های «بازتایید جنسیت»، «تایید جنسیت» یا «تطبیق جنسیت» به جای عبارت منسوخ‌شده «تغییر جنسیت» درست است.

دوجنسه

واژه توهین‌آمیز «دوجنسه» در فارسی به افراد ترنس یا افراد بیناجنسی اطلاق می‌شود. این واژه با تصور نادرستی از ترکیب یا تلاقی دو جنسیت به وجود آمده و معمولاً برای اشاره به افرادی استفاده می‌شود که هویت یا ویژگی‌های جنسیتی‌شان خارج از دوگانه‌های سنتی زن و مرد قرار دارد. مشابه با آنچه در رابطه با واژه «نرماده» گفته شد، واژه «دوجنسه» نیز به طرز نادرستی، افراد ترنس را به‌عنوان ترکیبی از دو جنس یا نوعی موجود بینابینی معرفی می‌کند، در حالی که افراد ترنس می‌توانند هویت جنسیتی خود را زن، مرد، و یا با هویت جنسیتی غیردوگانه یا هر هویت دیگری تعریف کنند. این واژه گاهی به افراد بیناجنسی که با ویژگی‌های جنسی متفاوت بیولوژیکی متولد شده‌اند نیز اطلاق می‌شود، اما مفهوم آن اغلب با تحقیر و عدم درک واقعی از این افراد همراه است. این واژه بار معنایی منفی و تحقیرآمیزی دارد که باعث می‌شود هم افراد ترنس و هم افراد بیناجنسی احساس تبعیض، تحقیر و طردشدگی کنند. به‌جای احترام به هویت افراد ترنس یا شرایط بیولوژیکی افراد بیناجنسی، از این اصطلاح برای کوچک‌انگاری یا نادیده گرفتن حقوق و انسانیت‌شان استفاده می‌شود.

زن چه یا زن چو

عبارت «زن چه» یا «زن چو» بار معنایی منفی دارد و بیشتر برای اشاره به زنان ترنس، مردان همجنس‌گرا و یا کسانی که بیان جنسیتی آنها از نظر جامعه زنانه تلقی می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. این عبارت تقریباً در تمامی ولایات افغانستان کاربرد دارد و برای تحقیر و کوچک شماری افراد از آن استفاده می‌شود.

سبک زندگی Life-Style

استفاده از واژه سبک زندگی یا Life Style در نوع خود دارای هیچ ایراد نیست اما وقتی این واژه در رابطه با افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ آن هم از سوی افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ سنتیز به کار

برده می‌شود مراد از آن است که گرایش جنسی و هویت جنسیتی اعضای این جامعه مانند هر نوع سبک زندگی دیگر مثلاً سبک زندگی گیاهخواری یا سبک زندگی مینیمالیستی یک انتخاب است و آنها می‌توانند هر زمان آن را تغییر دهند. این اصلاح یادآور عبارت «ترجیح جنسی» است که معنایی مشابه با سبک زندگی را به مخاطب القا می‌کنند.

شیمیل (shemale)

واژه «شیمیل» از ترکیب دو واژه she (او، ضمیر مونث) و male (مذکر) در زبان انگلیسی ساخته شده است. این اصطلاح عمدتاً در صنعت پورن و برای اشاره به زنان ترنس (زنانی که در هنگام تولد جنسیت مردانه به آنها نسبت داده شده است اما هویت جنسیتی زنانه دارند) به کار می‌رود. این واژه به چند دلیل ترنس‌فوب و توهین‌آمیز تلقی می‌شود؛ اولین مورد به ترکیب واژه «شیمیل» بر می‌گردد که به نوعی تجزیه هویت زنان ترنس است و به‌طور نادرست فرض می‌کند که آنها نیمه زن و نیمه مرد هستند، درحالی‌که زنان ترنس «زن» هستند. دلیل دیگر را می‌توان در شیء‌انگاری زنان ترنس جست؛ این کلمه زنان ترنس را به عنوان اشیاء جنسی و نه به‌عنوان انسان‌هایی با شان و کرامت انسانی و هویت و تجربه منحصر به فرد معرفی می‌کند. واژه «شیمیل» به‌جای تأیید هویت آنها به‌عنوان زن، بر جنبه‌های جسمانی تمرکز دارد و نادیده می‌گیرد که این افراد چگونه خود را هویت‌یابی می‌کنند. دلیل آخر که از ترنس‌هراس بودن این واژه خبر می‌دهد تاریخچه تحقیرآمیز آن است که همواره با تحقیر، سرکوب و تبعیض همراه بوده و در جوامع مختلف برای طرد و تحقیر افراد ترنس، خصوصاً زنان ترنس به کار رفته است. کاربرد این واژه به دلیل بار معنایی منفی آن می‌تواند منجر به بازتولید خشونت علیه افراد ترنس شود و جامعه را هم از نظر روانی برای آنها ناامن و غیر قابل زندگی کند. شیء‌انگاری نهفته در این واژه سبب می‌شود تا افراد ترنس بیشتر در معرض انواع آزار و اذیت‌های جسمی و جنسی قرار گرفته و محیط‌های عمومی از جمله محیط کار و تحصیل برای آنها ناامن شود. لذا ضروری است تا نهایت احتیاط را در مکالمات روزمره خود به کار گیریم تا مبادا به چرخه خشونت علیه افراد ترنس دامن بزنیم.

لواطت یا لواط

لواطت یا لواط واژه‌ای عربی است که در متون مذهبی برای اشاره به رابطه جنسی میان دو فرد با بدن منتسب به مردانه استفاده می‌شود. این واژه از نام قوم لوط در قرآن، کتاب مسلمانان گرفته شده و با بار معنایی منفی به کار رفته است. در بسیاری از متون مذهبی و سنتی، لواط به عنوان عملی گناه‌آلود یا انحرافی معرفی شده که مستحق مجازات است. این نگاه تاریخی باعث شده که واژه لواط در گفت‌وگوهای عمومی یا غیررسمی نیز با تحقیر و سرزنش همراه شود. گروه طالبان در قانون امر به معروف و نهی از منکر خود از رابطه جنسی میان دو با بدن منتسب به مردانه با نام «لواطت» یاد کرده و مجازات آن را مطابق با احکام شریعت تعیین کرده است.

لیدی بوی (ladyboy)

واژه «لیدی بوی» از ترکیب دو واژه Lady (زن) و Boy (پسر) در زبان انگلیسی ساخته شده است. این واژه عمدتاً در کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند تایلند رواج دارد و به زنان ترنس یا افراد با هویت جنسیتی غیردوگانه اطلاق می‌شود که با بدن منتسب به مردانه به دنیا آمده‌اند اما هویت و یا ظاهر منتسب به زنانه دارند. با این حال، در سال‌های اخیر، استفاده از این واژه در بسیاری از نقاط جهان، از جمله افغانستان و ایران رواج یافته است که بخشی از آن به دلیل رفت و آمد شهروندان به آسیای جنوب شرقی و بخشی دیگر به دلیل راهیابی این واژه به صنعت پورن است. «لیدی بوی» همانند «شیمیل» سراسر توهین‌آمیز و ترنس‌فوب است. این واژه افراد ترنس را به اشیای جنسی تقلیل می‌دهد و باعث می‌شود که به جای توجه بیشتر به هویت و انسانیت‌شان، به ظاهر و جذابیت جنسی آن‌ها توجه شود. همچنین این واژه به دلیل ترکیبش هویت جنسیتی افراد ترنس را زیر پا می‌گذارد و همانند واژه «شیمیل» آن‌ها را به نوعی «نیمه زن و نیمه مرد» نشان می‌دهد. به همین دلایل، واژه «لیدی بوی» می‌تواند باعث ایجاد حس تحقیر و عدم احترام در افراد ترنس شود. از این رو، استفاده از اصطلاحات دقیق و محترمانه مانند «زن ترنس»، «مرد ترنس»، یا «افراد ترنس» نشان‌دهنده احترام به هویت خودتعریف افراد است.

مخنث یا خنثی

واژه عربی «مخنث» در افغانستان ریشه‌ای تاریخی دارد و در گذشته در متون اسلامی و فرهنگی به افرادی اطلاق می‌شد که از نظر ظاهر یا رفتار، ترکیبی از ویژگی‌های منتسب به زنانه و مردانه داشتند. این افراد گاهی به‌عنوان کسانی توصیف می‌شدند که «میان دو جنس» قرار دارند یا رفتارشان با هنجارهای جنسیتی زمان خود مطابقت نداشت. در جامعه امروزی افغانستان، واژه «مخنث» به‌طور عمده افراد ترنس را خطاب قرار می‌دهد، یعنی کسانی که هویت جنسیتی‌شان با جنسیت تعیین‌شده هنگام تولد مطابقت ندارد. گاهی نیز این واژه برای افراد بیناجنسی به‌کار می‌رود، افرادی که از نظر ویژگی‌های جنسی بیولوژیکی با چارچوب‌های سنتی زن یا مرد تطابق کامل ندارند. این واژه در گفتمان روزمره افغانستان اغلب به‌عنوان ابزاری برای تحقیر، تمسخر یا طرد فرد ترنس و بیناجنسی استفاده می‌شود و به جای احترام به هویت یا وضعیت ایشان، آن‌ها را بی‌ارزش جلوه می‌دهد. این واژه همواره در بسترهایی به کار رفته که با پیش‌داوری‌های فرهنگی و دینی همراه بوده و افراد را در معرض طرد اجتماعی قرار داده است. از آنجا که تاریخچه این واژه نیز با تبعیض و طرد اجتماعی گره خورده است و استفاده از آن بازتاب‌دهنده نگاه منفی و تحقیرآمیز نسبت به افراد ترنس یا بیناجنسی بوده است. به همین دلیل، این اصطلاح در میان جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ افغانستان به‌عنوان واژه‌ای تحقیرآمیز و توهین‌آمیز تلقی می‌شود.

واژه سحاق از ریشه عربی مساحقه گرفته شده و به معنای رابطه جنسی میان دو فرد با بدن منتسب به زنانه است. این واژه بیشتر در متون اسلامی استفاده می‌شود و به دلیل زمینه تاریخی و کاربرد آن، اغلب با نگاه منفی همراه است. سحاق معمولاً به عنوان عملی غیرمجاز یا گناه تلقی شده و به همین دلیل بار معنایی قضاوت‌آمیزی پیدا کرده است و استفاده از آن در گفت‌وگوهای عمومی یا روزمره می‌تواند به عنوان توهین یا بی‌احترامی تلقی شود، چرا که تاریخچه آن به گونه‌ای بوده است که با مفاهیمی مانند انحراف یا مجازات مرتبط شده است. گروه طالبان در قانون امر به معروف و نهی از منکر خود، از رابطه جنسی میان دو با بدن منتسب به زنانه با نام «سحاق» یاد کرده و مجازات آن را مطابق با احکام شریعت تعیین کرده است.

مورت

یکی دیگر از واژگان رایج در افغانستان که برای تحقیر جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به کار می‌رود واژه توهین‌آمیز «مورت» است. اگرچه این واژه برای تحقیر هرکسی که از هنجارهای جنسی و جنسیتی سنتی پیروی نمی‌کند استفاده می‌شود، اما معمولاً گروه هدف این واژه افراد «بیریش» و «زیر هجده سال»، به طور ویژه افراد ترنس و مردان همجنسگرا جوان هستند که در مراسم «بچه بازی» یا مراسم رقص مورد سوء استفاده یا استثمار جنسی و جنسیتی قرار می‌گیرند. به‌ویژه اگر از نظر جامعه رفتار و بیان جنسیتی این افراد «زنانه» تلقی شود یا آن‌ها را به عنوان افرادی که «هویت مردانه» ندارند، ببیند از این واژه برای خطاب قرار دادن آنها استفاده می‌کند که معنایش «زن‌صفت» یا «کم‌مرد» و قصدش تحقیر است.

نرماده

واژه «نرماده» اصطلاحی توهین‌آمیز و تحقیرکننده در زبان فارسی است که شاید بتوان آن را معادل فارسی «لیدی بوی» هم در نظر گرفت. واژه «نرماده» در افغانستان برای توصیف افرادی که هویت یا بیان جنسیتی‌شان با هنجارهای سنتی مطابقت ندارد، به کار می‌رود. این واژه اغلب افراد ترنس و بیناجنسی را هدف قرار می‌دهد اما گاهی جامعه ممکن است از آن برای اشاره به کل جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ یا کسانی که ظاهر یا رفتارشان فراتر از کلیشه‌های زنانه یا مردانه است نیز استفاده کند. این واژه به دلیل نبود دانش و درک صحیح از مفاهیم مرتبط با جنسیت و هویت جنسیتی، در میان عموم جامعه رواج یافته و به شکلی فراگیر استفاده می‌شود. «نرماده» این تصور را ایجاد می‌کند که افراد ترنس به‌نوعی «میان دو جنس» قرار دارند یا ترکیبی از دو جنس نر (مذکر) و ماده (مونث) هستند، در حالی که هویت جنسیتی آن‌ها کاملاً روشن است. برای مثال، یک زن ترنس زن است، نه «نرماده». این استفاده نادرست، هویت فرد را تقلیل می‌دهد و او را به «چیزی» مبهم و نامشخص که از دید جامعه «غیرطبیعی» است، تقلیل می‌دهد. این واژه

به جای احترام به هویت جنسیتی افراد، با بار معنایی منفی برای تحقیر، تمسخر یا به حاشیه راندن افراد ترنس و بیناجنسی استفاده می‌شود. به کار بردن «نرماده» به عنوان یک اصطلاح، اغلب حامل مفهومی است که فرد را «غیرعادی» یا «ناقص» جلوه می‌دهد، و این موضوع باعث ایجاد احساس طردشدگی و بی‌ارزشی در افراد ترنس، بیناجنسی و به طور کل هر فردی که در چارچوب تعریف سنتی از جنسیت و هویت‌های جنسیتی نمی‌گنجد، می‌شود. به همین دلیل، اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ افغانستان این واژه را نه تنها نادقیق، بلکه تحقیرآمیز می‌دانند، چرا که بازتاب‌دهنده کلیشه‌ها، قضاوت‌های منفی و نبود درک صحیح از هویت‌ها و بیان‌های جنسیتی متنوع است.

هرمافرودیت (Hermaphrodite)

هرمافرودیت اصطلاح پزشکی منسوخی است که قبلاً برای اشاره به افراد بیناجنسی - یعنی کسانی که در بدو تولد، بدن‌شان ترکیبی از صفات مرسوم مذکر و مؤنث را دارد - به کار برده می‌شد. این اصطلاح دیگر به کار نمی‌رود و به عنوان واژه‌ای توهین‌آمیز در نظر گرفته می‌شود. واژگان «بیناجنسی»، «میان جنسی»، یا «اینترسکس» را می‌توان به عنوان جایگزین‌هایی صحیح برای اشاره به افرادی که ویژگی‌های جسمانی، هورمونی یا صفات جنسی آنها، آن‌طور که در پزشکی سنتی تعریف شده، کاملاً در دسته‌بندی‌های مرسوم مردانه یا زنانه نمی‌گنجد، استفاده نمود.

همجنسباز

واژه‌ی «همجنسباز» در زبان فارسی به دلیل بار معنایی منفی و تاریخچه استفاده تحقیرآمیز آن نسبت به افراد همجنسگرا، دوجنسگرا و به صورت کلی افرادی که با جنسیت مشابه رابطه دارند، توهین‌آمیز تلقی می‌شود. این واژه بر اساس پیش‌فرض‌های نادرست شکل گرفته و گرایش جنسی افراد همجنسگرا را به شکل نادرست به «بازی» یا «هوسرانی» تقلیل می‌دهد، که با واقعیات زندگی این افراد تناسبی ندارد. این واژه تداعی کننده واژگان دیگری همچون «بچه باز»، «دخترباز» و یا «کفترباز» است که در نزد عموم جامعه، صفاتی منفی در نظر گرفته می‌شوند. از این رو زمانی که صفت «همجنسباز» به افراد همجنسگرا نسبت داده می‌شود، جدای از آزار کلامی و روانی که با خود به همراه دارد، بر تبعیض و انگ اجتماعی دامن می‌زند.

با این حال، از این واژه نه فقط برای سرکوب افراد همجنسگرا، بلکه برای تخریب افراد دوجنسگرا نیز استفاده می‌شود. این موضوع به این دلیل است که استفاده کنندگان از این برچسب، غالباً دوجنسگرایان را افرادی می‌بینند که صرفاً به جهت رفع نیاز جنسی با جنسیت مشابه خود ارتباط برقرار کرده و برای نیازهای عاطفی/عاشقانه و رابطه طولانی مدت به جنسیت‌های متفاوت علاقه و کشش دارند. نکاتی که این افراد از آنها غافل هستند، یکی درک تعریف دوجنسگرایی و دیگری درک این موضوع است که داشتن میل عاطفی

در روابط جنسی یک ضرورت محسوب نمی‌شود. همانگونه که قبل‌تر هم به این موضوع اشاره کردیم همه افراد فارغ از اینکه چه گرایش جنسی دارند، می‌توانند هیچ‌عاطفه‌گرا (Aromantic)، کم‌عاطفه‌گرا (Gray Romantic) و عاطفه‌گرا (Romantic) باشند. بنابراین، افراد دوجنسگرا که به بیش از یک جنسیت کشش جنسی، عاطفی و زیبایی‌شناختی دارند می‌توانند نسبت به یک جنسیت به خصوص کشش جنسی، عاطفی و زیبایی‌شناختی داشته و به همان جنسیت یا جنسیت‌های دیگر صرفاً کشش جنسی یا صرفاً کشش عاطفی و زیبایی‌شناختی داشته باشند. از این رو، نداشتن کشش عاطفی در یک رابطه به معنای سوء استفاده از شخص دیگر نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، آگاهی و رضایت طرفین در رابطه است، و تا زمانی که رضایت همه طرف‌ها وجود دارد، به هیچ عنوان «سوء استفاده» نیست.

در ادامه به بررسی دو گزارش از یکی از سازمان‌های حقوق بشری فعال در امور افغانستان که در آن از واژگان نادرست درباره جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ به کار رفته اشاره و درباره چرایی غلط بودن این واژگان و عبارات صحبت می‌کنیم.

۱. مثال اول:

«گزارشگر ویژه همچنان از موجودیت خشونت و تبعیض علیه اشخاصی تصنیف شده در گروه **همجنسگرایان (LGBTIQ)** در افغانستان که موصوف با برخی از آنها ملاقات کرده، عمیقاً ابراز نگرانی نموده است. همچنان، او به گزارش‌های دست یافته است اشخاصی تصنیف شده در **گروه همجنسگرایان (LGBTIQ)** در افغانستان با ترس دائمی زندگی می‌کنند و برخی از این افغان‌ها را ملاقات نموده است. بر مبنای گزارش‌ها، مردان همجنسگرا توسط طالبان مورد لطمه و کوب، دستگیری، تجاوز جنسی، بازداشت قرار گرفته و در برخی موارد به قتل می‌رسند. به تاریخ ۲۴ آگست ۲۰۲۲، وزیر صحت عامه مقامات بالفعل اعلام داشته است که **جراحی تغییر جنسیت** ممنوع (حرام) می‌باشد. افغان‌های ناسازگار از لحاظ جنسیت در عرصه دسترسی به کمک‌های بشردوستانه و اسناد رسمی مانند پاسپورت با چالش‌های جدی روبرو اند، که توانایی آنها را برای جستجوی پناهگاه‌های امن محدود می‌سازد.»

- در متن بالا چندین ایراد مشخص وجود دارد: ایراد اول این است که نگارنده «همجنسگرایان» را با کلیه افراد متعلق به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ برابر و یکسان دانسته و مشخصاً به تنوع و تفاوت بین گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی آگاه نبوده است.

- ایراد دوم استفاده از عبارت نادرست «جراحی تغییر جنسیت» است. همانگونه که پیشتر هم توضیح دادیم، افراد جنسیت خود را با جراحی تغییر نمی‌دهند! جنسیت یک مفهوم انتزاعی است و به برداشت و درک درونی افراد وابسته است. این برداشت و درک درونی با اجرای پروسه ترنزیشن (انجام عمل‌های جراحی یا

هورمون تراپی) تغییر نمی‌کند بلکه آنچه تغییر می‌کند صرفاً برخی ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری است برای اینکه فرد حس بهتری نسبت به بدن خود پیدا کند. همچنین باید اضافه کرد که برداشت هر شخص از جنسیت می‌تواند با فرد دیگر متفاوت باشد. این برداشت می‌تواند با جنسیتی که در بدو تولد و بر اساس ظاهر اندام جنسی به فرد نسبت داده شده متفاوت باشد یا نباشد. برای مثال فردی که در بدو تولد و بر اساس ظاهر اندام جنسی به او هویت جنسیتی منتسب به مردانه نسبت داده شده، با گذشت زمان خود را به شکل دیگر مثلاً زن، نه زن و نه مرد، جایی بین این دو جنسیت، و یا چیزی به غیر از تعاریف مرسوم جنسیت هویت یابی می‌کند. در این متن، نگارنده می‌توانست به جای عبارت منسوخ «تغییر جنسیت» از جایگزین‌های صحیحی مانند «عمل‌های بازتایید جنسیت» یا «تطبیق جنسیت» استفاده کند.

- ایراد سوم را می‌توان در عبارت «ناسازگار با جنسیت» جست. این عبارت ممکن است به عنوان ترجمه (Non Gender-conforming) به کار رفته باشد اما با توجه به ساختار فرهنگی و رایج نبودن این عبارت به خصوص معادل فارسی آن در افغانستان ممکن است موجب این برداشت اشتباه شود که افراد ترنس یا افراد با هویت جنسیتی غیردوگانه (نان‌باینری) به نوعی مشکل یا نقص دارند، در حالی که هویت جنسیتی این افراد کاملاً معتبر و طبیعی است. این عبارت به شکلی مشابه با اصطلاحات پزشکی قدیمی، این افراد را به عنوان افرادی که به «اصلاح» یا «درمان» نیاز دارند توصیف می‌کند. در حالی که امروزه هویت ترنس و هویت جنسیتی غیردوگانه به عنوان بخشی از تنوع طبیعی جنسیتی انسان پذیرفته شده است و نباید به‌عنوان ناسازگاری یا اختلال تعبیر شود. پیشنهاد ما به نگارنده این است که به جای عبارت «جنسیت ناسازگار» از عباراتی همچون «افراد با تنوع جنسیتی متفاوت»، «افراد ترنس» یا «افراد با هویت جنسیتی غیردوگانه» استفاده شود.

۲. مثال دوم:

« افراد شامل در گروه LGBT و سایر افغان‌های شامل در **گروه‌های تنوع جنسیتی** (gender-diverse) و **خنثی** (intersex)، به خاطر عدم مطابقت آنها با **گرایش‌های جنسیتی** (stereotype) جندر/جنسیت و نداشتن فضای مصون، همچنان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. قبل از اگست ۲۰۲۱، افغان‌های شامل در گروه‌های gender and sexually diverse اکثراً در خانواده‌های شان مورد تبعیض قرار می‌گرفتند. با در نظر داشت اینکه عکس‌العمل‌ها در برابر آنها شدت کسب نموده‌اند و امکان دارد آنها با خشونت توأم با فرهنگ معافیت از مجازات روبرو شوند، اکنون آنها در هراس به سر می‌برند. گزارشگر ویژه به گزارشاتی در مورد بازداشت افغان‌های شامل در گروه‌های تنوع جنسیتی gender-diverse دست

یافته است، در حالی که اقاربشان به حدی وحشت زده شده‌اند که نمی‌توانند در مورد آنها را از مقامات بالفعل طالب معلومات شوند. افغان‌های شامل در گروه‌های همجنسگرا و **خنثی‌اند** خود را زن معرفی می‌نمایند، عمدتاً به خاطر عدم گرایش‌های زنانه‌ای با خطر ازدواج اجباری و خشونت خانوادگی مواجه‌اند. مردان همجنسگرا، **دوجنسه** و تغییر در جنسیت با خطر جدی خشونت در جامعه و محرومیت از خدمات عمده مانند مراقبت‌های صحتی روبرو می‌اند.»

- همانند متن قبل، این متن نیز با ایرادات فراوان و واژگان و عبارت کاملاً منسوخ و توهین‌آمیز تهیه و ارائه شده است. در این متن نگارنده با کار بردن عبارت «گروه‌های تنوع جنسیتی (gender-diverse) و خنثی (intersex)»، احتمالاً قصد داشته است تا به افراد با گرایش‌های جنسی، بیان و هویت‌های جنسیتی متنوع و افراد بیناجنسی اشاره داشته باشد که به اشتباه از عبارت تنوع جنسیتی استفاده کرده است. ایراد دوم استفاده از عبارت توهین‌آمیز «خنثی» است که در افغانستان برای خطاب قرار دادن افراد بیناجنسی و افراد ترنس با هدف تحقیر و کوچک شماری آنها به کار می‌رود. به جای استفاده از واژگانی که برای سرکوب افراد بیناجنسی به کار می‌رود باید از واژه‌ای چون افراد بیناجنسی استفاده شود.

- ایراد دیگر را می‌توان استفاده از عبارت «گرایش‌های جنسیتی» به عنوان معادل واژه (stereotype) که به معنای کلیشه است، دانست. به جای «گرایش‌های جنسیتی» باید از عبارت صحیح «گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی» استفاده کرد که در انگلیسی برابر با (Gender Identity & Sexual Orientation) و نه (stereotype) است.

- ایراد آخر عبارت «دوجنسه» است. علیرغم سال‌ها تلاش فعالان جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در توضیح چرایی نادرست و آسیب‌زننده بودن چنین واژگانی، استفاده از واژه منسوخ «دوجنسه» در این گزارش جای تعجب و تامل دارد. این واژه معمولاً برای اشاره به افرادی استفاده می‌شود که هویت یا ویژگی‌های جنسیتی‌شان خارج از دوگانه‌های سنتی زن و مرد قرار دارد. واژه «دوجنسه» به طرز نادرستی، افراد ترنس را به‌عنوان ترکیبی از دو جنس یا نوعی موجود بینابینی معرفی می‌کند، در حالی که افراد ترنس می‌توانند هویت جنسیتی خود را زن، مرد و یا با هویت جنسیتی غیردوگانه (نه زن و نه مرد) تعریف کنند. این واژه گاهی به افراد بیناجنسی که با ویژگی‌های جنسی بیولوژیکی متفاوت متولد شده‌اند نیز اطلاق می‌شود، اما استفاده از آن اغلب با تحقیر و عدم درک واقعی از این افراد همراه است. این واژه بار معنایی منفی و تحقیرآمیزی دارد که باعث می‌شود افراد ترنس و بیناجنسی احساس تبعیض و طردشدگی کنند. در انتها توصیه می‌شود که اکیدا از به کار بردن این واژه خودداری کرده و به جای آن از عبارات صحیحی چون «افراد ترنس» و «افراد بیناجنسی» استفاده شود.

سخن آخر

کتابچه حاضر با هدف ترویج دانش و آگاهی درباره تنوع جنسیتی و گرایش‌های جنسی در میان جوامع فارسی‌زبان، به‌ویژه افغانستان، تهیه شده است. این اثر می‌کوشد با ارائه تعاریف دقیق، واژگان صحیح و جایگزین‌های مناسب برای اصطلاحات نادرست، زمینه‌ساز افزایش پذیرش و مشاهده‌پذیری افراد متعلق به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ شود. در جهانی که زبان، ابزاری اساسی برای بیان و انتقال مفاهیم است، پرداختن به این موضوعات ضرورتی انکارناپذیر است.

زبان نقشی کلیدی در شکل‌گیری فرهنگ دارد و استفاده از واژگان محترمانه می‌تواند مانع بازتولید خشونت، انگ‌زنی و تبعیض علیه افراد این جامعه شود. جامعه فارسی‌زبان، که در آن تابوها و مقاومت‌های فرهنگی همچنان پررنگ است، نیازمند آگاهی و آموزش برای تغییر نگرش‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگوی سازنده است. این کتابچه به عنوان یک منبع قابل اعتماد، تلاش می‌کند این خلأ را پر کند و افراد را به استفاده از زبان فراگیر و غیرتحقیرآمیز ترغیب کند. افزایش پذیرش و مشاهده‌پذیری افراد متعلق به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ نه تنها موجب بهبود کیفیت زندگی این افراد می‌شود، بلکه جامعه را به سوی احترام بیشتر به کرامت انسانی و همبستگی اجتماعی سوق می‌دهد. این تغییر نیازمند تعهد و مشارکت همه‌جانبه، از خانواده و دوستان گرفته تا نهادهای اجتماعی و سیاسی است.

در نهایت، این کتابچه تلاشی است برای ایجاد تغییر فرهنگی از طریق آموزش و آگاهی‌بخشی. امیدواریم این اثر بتواند نقطه آغازی برای گفتگوهای سازنده‌تر و پذیرش تنوع در جوامع فارسی‌زبان باشد و در عین حال، مانع بازتولید خشونت و تبعیض در زبان و فرهنگ شود. تغییر زبان، گامی کوچک اما ضروری در مسیر دستیابی به عدالت و برابری است.

تصدیق

تشکر ویژه از علی عارفی برای تحقیق جامع و نگارش این کتابچه ارزشمند که گامی مهم در جهت ارتقای درک بهتر جامعه از تنوع جنسی و جنسیتی، شناخت چالش‌های پیش روی افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ و ترویج استفاده از واژگان صحیح و مناسب در مورد این جامعه است. این کتابچه نقشی کلیدی در بهبود گفتگوها و فرهنگ‌سازی در راستای پذیرش و احترام به حقوق این افراد ایفا می‌کند.

سپاس از کنشگران و فعالین حقوق ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ افغانستان، از جمله آرتمیس اکبری، دیبا مشرقی، آیلار رضایی، سامیار نظری، مژده صمدی و دیگر اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+ در داخل و خارج از افغانستان که با پیشنهادات و نظرات ارزشمندشان در تحلیل و اصلاح واژگان نادرست رایج در افغانستان، سهم بزرگی در تهیه این کتابچه داشتند.

تشکر از سوده راد و زینب پیغمبرزاده، مدیران سازمان اسپکتروم برای ویرایش دقیق این کتابچه که به تقویت کیفیت محتوای آن کمک شایانی کرده است.

سپاس از فرناز عبدلی برای طراحی گرافیکی حرفه‌ای این کتابچه که آن را برای مخاطبین جذاب و چشم‌نواز ساخته است.

در نهایت، از سازمان اقدام آشکار جهانی برای حمایت سخاوتمندانه‌شان در تهیه این کتابچه و تعهدشان به ارتقای حقوق بشر و پذیرش تنوع سپاسگزاریم.

منابع

Glossary of Terms (11 June ,۲۰۲۴) .HRC.
<https://www.hrc.org/resources/glossary-of-terms>

Europe-ILGA .Europe-ILGA | glossary Our .(۴ January ,۲۰۲۴) .Europe Ilga | Safety ,Equality and Freedom for LGBTI People in Europe & Central Asia.
<https://www.ilga-europe.org/about-us/who-we-are/glossary/>

Stonewall..(1۵ November ,۲۰۱۵). List of LGBTQ +terms.
<https://www.stonewall.org.uk/resources/list-lgbtq-terms>

رهنوش, ر. (۱۰ March ,۲۰۱۹). تراجنسی های افغانستان؛ ”خانواده می خواهد با یک زن ازدواج کنم.“ News BBC فارسی.
<https://www.bbc.com/persian/afghanistan۴۷۲۹۴۵۰۴->

Pan-Bi دوجنسگرا. (۱۶ May ,۲۰۱۹). کوبیر یعنی چی؟ [Video]. YouTube
<https://www.youtube.com/watch?v=b-n۲tliAzTA>

واژه نامه | دوجنسگرا. (.d.n).
<https://dojensgara.org/post۲۷۵۰/>

اصطلاحات و تعاریف دگرباش و رنگین کمانی | دوجنسگرا. (.d.n).
<https://dojensgara.org/post۴۱۲۳/>

واژه نامه. (۲۵ June ,۲۰۲۱). هلپ ترنس سنتر.
<https://helptranscenter.wordpress.com/glossary/>

GLAAD .GLAAD | LGBTQ :Terms of Glossary .(1 May ,۲۰۲۳) .GLAAD .Acceptance LGBTQ for Script the Rewrites GLAAD
<https://glaad.org/reference/terms/>

آویشن. (۲۹ January ,۲۰۲۰). مقدمه ای بر کینک [Video]. YouTube.
<https://www.youtube.com/watch?v=Px۳KR1UqdZw>

کاری از سازمان «الو: افغان ال جی بی تی»

سازمان «الو: افغان ال جی بی تی» با هدف حمایت از حقوق افراد ال جی بی تی کیو+ افغانستانی در کشور جمهوری چک تأسیس شده و برای مستندسازی موارد نقض حقوق بشر افراد ال جی بی تی کیو+ و ارائه کمک های مالی و حمایتی به افراد ال جی بی تی کیو+ افغانستانی فعالیت می کند. این سازمان با تلاش برای تغییر سیاست های جهانی در سازمان ملل و اتحادیه اروپا، نقش مهمی در ارتقای حقوق افراد ال جی بی تی کیو+ ساکن در افغانستان و حقوق پناهجویان و پناهدگان ال جی بی تی کیو+ ایفا می کند. سازمان «الو» همچنین با تولید مطالب آموزشی، پادکست ها، و مقالات به افزایش آگاهی درباره گرایش های جنسی، بیان و هویت جنسیتی و ویژگی های جنسی کمک می کند.